

# قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

## سهمینار بررسی

### مسائلی آینده ایران

#### بعد از رژیم خمینی

مونیخ : فرستاده ویژه قیام ایران

در یک گردهمایی دوازده در مونیخ، ایرانیان دموکرات نظری خود را ابراز کردند.

مؤسسه روابط خارجی "بنیاد هانس زایدل" Hans - Seidel - Stiftung

وابسته به حزب "سوسال مسیحی" یکی از احزاب تشکیل دهنده دولت کنونی آلمان فدرال، با برگزاری سمیناری در روزهای ۴ و ۵ دسامبر (۱۳ و ۱۴ آذر) به ایرانیانی که برای برقراری دموکراسی در ایران سازگمیتی مبارزه می کنند، فرصتی داد تا عقاید خود را درباره مسائل گوناگون ایران ابراز دارند.

بنیاد هانس زایدل از نهضت مقاومت ملیسی بقیه در صفحه ۲

## ترجمه نطق دکتر شایور بختیار

### در سمینار "ایران امروز و ایران فردا"

تکنولوژی در دیف اول کشورها - ی سیرتند قرار گرفتند است.

آقای رئیس توضیحات روشنی در باره جنگ ایران و عراق و ماهیت حکومت مصیبت با رملایان دادند. من در این زمینه ها چیزی بر آنچه ایشان گفتند اضافه نمی کنم و وظیفه تشریح اوضاع اجتماعی و اقتصادی کنونی ایران را بر عهده همزما شم، کده در این مجلس حضور دارند، می گذارم. اما می خواهم به آینده ایران، آنطور که من آن را

هادی یزاد

آقای رئیس، خانمها، آقایان،

در آغاز سخن باید مرا تبا متنان خود را به بنیاد " هانس زایدل" بخاطر دعوتی که از ما بعمل آورده است ابراز دارم و قبل از هر چیز نسبت به ملت بزرگ آلمان ادای احترام کنم؛ ملتی که علی رغم دوران دردناک و ویرانگر جنگ دوم جهانی، در سایه یک دموکراسی مستحکم، دوباره قدم در راه ترقی گذاشت و امروز از بسیاری جهات، فرهنگی، صنعتی و

بحران سیاسی آمریکا، در آن بندها که به زندگی ما و نظام آینده ایران گره می خورد، هشدار دهنده و در عین حال عبرت انگیز است.

#### حینعلی مشکان

تجران - تل آویو، دامان حضرت امام را به سختی لکه دار ساخته است و اگر کوشش مؤثری برای تظہروری صورت نگیرد بسیاری از محاسبات بهم می ریزد. حالا کویا بشود اما می دیکر ساخت و علم مبارزه با آمریکا لیسیم بدست د دوست شهرت و ارازمای تا ماه رسانند و زمینه ظهورش را فراهم آورد و بر مستند خلافت و امامت ما بیداریم، من با یکتا امانت گردید است!

بقیه در صفحه ۱۶

بر اساس یک گزارشی از ایران، دندان مبارکان نیروگاه بصری "تکا" توسط هوا سها های عراقی، حیران برفی در شهران گه تا چند روز قبل روزی ۴ تا شش ساعت قطع می شد، از روز شنبه سه شب تا هفت ساعت در روز رسیده است.

## قطع برق در تهران

## باز هم انسانهای پیرانگ

موج های بی دریبی بحران، اصرار دارد به مخالفین خود تزیق کند که: "در ماجرای فروش اسلحه و ارتباطات بینانی با رژیم تهران، خطائی رخ نداده، عهدی با یمال نشده و صلحتی از یاد نرفته است."

می گوید: " در این رابطه ها آزادی کروگان ها هدف نهائی نبود، مقصود اینجا دسرلی بود برای جذب و تقویت " میان دروها" در مقابل " تندروهای رژیم - بر آزادی کروگانها با فشرده داشتیم ولی عمدتا " بداین دلیل که اقتدار" طرفهای " خود را با ما شیم و از کارائی آنها مطمئن شویم."

ضعف فوق العاده ای این استدلال و نتیجه گیری و دلیل آن تا کدیو فناوری هیچکدام نوسده نیست. رتکان قصد دارد، مسائل را از " اقی های غیر قابل دفاع" به " اقی های قابل دفاع" بحر خاند و بدینگونه موج اعتراضات را بسکند. خوب می دانند طرح مسئله صرفاً " در قالب " مطالبه برای نجات تروگانها" می چون و چرا محکوم است، زیرا سسر عمدی ادعا های گذشته از یک خط بیطلان می کشد، تا حادرتجا م توضیحات خود بدینصورتی این دو حمله را بی گناهند: " ما با ( رژیم) تمامی ندانستیم، فقط به " افراد" خاصی مل زده ایم."

بقیه در صفحه ۲

آقای رئیس، خانمها، آقایان،

می بینم، اساره ای بکنم. قبل از هر چیزی باید این نکته را یادآوری کنم که ما به سانه فلسفه زندگی مان، فرهنگمان، سنت ها مان خود را به دنیای غرب نزدیک ترا حساس می کنیم ولی این احساس بدان معنی نیست که بخواهیم زیر ضربتی از بلوک ها بروسیم و رودر روی بلوک دیگر قرار بگیریم. ما می خواهیم بدون دخالت خارجی، حاکم بر سر نوشت وطن خود باشیم. ولی باید اذنا فه کنیم که بقیه در صفحه ۲

## تماشاخانه

### تمام عیار

تما ز جمعه تهران، تماشاخانه تمام عیار است. ائمه جمعه آن، از دانشی گرفته تا موقت، از عاصه سیا گرفته تا عاصه سفید، با زبکان نمایشی هاستند که در هر سیر و روز جمعه در آن به اجرا در می آید. همان گونه که به یک با زبکر نما یسی نمی توان ایراد گرفت که چرا دیروز نقشی با زی کرد و امروز نقشی درست مخالف آن، تا دسربا زبکران خیمه ست با زی نما ساز جمعه نیز جرحی نباشد که دیروز یک چیز می گفتند و امروز چیزی درست خلاف دیروز می گویند.

## سئوالی که پس گرفته شد

اسرا را بهر دانش که است تمام عیار مجلس اسلامی از وزیر خا رجه رژیم تهران سترال کرده بود که یک فارغ التحصیل کی شد تهران آمد، چرا آمد، بد دعوت کده بدوسا حدکما شین مذاکره کرد. وزیر خا رجه رژیم، این شست تما بیند در دوجور آن نداست که به سئوالسان ما نمی دهد. بلکند ستر آرد بد مسیله را بد اطلاق غیبی بر ما بدوسا ستر بدک سنا سنا ن. مجلس یفما سسد ما سسود را و زندگاری ها می کشند که عمل بر تمولی در کار و دولت بود. خصمی مداخله کرد. رسان ستر بدک سسد که سسبسن نکلف آن هست تما بیند را بدامت حزب اللد حواله خواهد داد.

بقیه در صفحه ۱۵

در صفحه ۲

### ترجمه نطق

### دکتر شاپور بختیار

بقیة از صفحه ۱

نطق بدو وطن مرادف خصومت با خارجی نیست.

وقتی من به شما بگویم که از او آن جوانی یک سوسیال دمکرات بوده ام، خواهید توانست نظر مرا و تصور مرا از شما معده آینده ایران حدس بزنید، زیرا یک سوسیال دمکرات الزاما " یک بنسیر دوست است و در نتیجه می توانید مطمئن باشید که در ایران فرد آنچه بیش از هر چیز مورد توجه خواهد بود رعایت حقوق بشر است. البته ممکن است با توجه به آنچه که امروز در ایران می گذرد این هدف را همی و غیر عملی تصور کنید، ولی چنین نیست. من خود در جوانی شاهد انحطاط ارزش های اخلاقی در موطن کانت و کتوت و بیتهوون بودم. پس عجیب نیست اگر در کشوری مثل کشور ما با همه تاه کیده های متفکرانش بر احترام به حقوق بشر، در حال حاضر تا حد سلطه یک گروه و ایسکراوسی اعتنا به ارزش های اخلاقی و فکری جا معده باشیم.

در هر دو حال - آنچه بر شما گذشت و آنچه بر ما می گذرد - حادثه ای گذرا بیش نیست چرخ تاریخ را نمی توان به عقب برگرداند. بیخ و خمی در مسیر است که دوباره به جا ده مستقیم منتهی می شود. چهل سال پیش ما، بین هزارتا دوزخ را تحصیل کرده ام و مغرب زمین داشتیم. در حال حاضر تعداد این تحصیل کردگان به متجاوز از دویست هزار نفر رسیده است. جمعیت کشور ما حدود ۲۰ میلیون نفر بود و امروز از مرز ۴۵ میلیون گذشته است. بیش از نیمی از این جمعیت زیر بیست سال دارند. ما به این جمعیت جوان امید بسته ایم، آنها را راهنمایی می کنیم که دقیقاً " مراقب باشند و زیر بار تاریخ اندیشی سیاسی یا مذهبی نروند و برای آزادی خود مبارزه کنند. این جوانان هستند که باید در استقرار یک دمکراسی یا یار، بنحوی که دخالت خارجی یا مداخله شوم یک طبقه خاصی در ارکان آن تزلزلی ایجاد نکند، مشارکت نمایند.

بنظر من در میان زشتی های که ملت را در چشم جا معده بین المللی خواهد رو خفیف می کند، از همه زشت تر و خطرناک تر فانا تیسیم است. فانا تیسیم با دمکراسی سازگار نیست. در نتیجه ایران فردا باید خود را علیه فانا تیسیم، از هر نوع آن، تجهیز کند.

آنچه ما می خواهیم در ایران فردا به مرحله عمل در آوریم یک دمکراسی بر اساس احساس ملی گرائی و در جهت شکفتگی شخصیت افراد جامعه و پیشرفت اجتماعی است.

یعنی وسیله استقرار دمکراسی، ما یک قانون اساسی داریم که هشتاد سال پیش به تصویب شما بندگان ملت رسیده است. این قانون برای آن موقع بسیار مترقی و مناسب بود و اگر آنرا بدرستی اجرا کرده بودیم امروز نوشت دیگری داشتیم. البته نمی گوئیم که این قانون ۸۰ سال

## سینار بررسی مسائل آینده ایران

### بعد از رژیم خمینی

بقیة از صفحه ۱



ترسیم کرد ( متن سخنرانی جدا گانه جا پ شده است ) .

سخنرانی آقای دکتر علی امینی - بیعت کسالت ایشان - بوسیله آقای اسلام کاظمیہ ایراد شد.

موضوع سخنرانی " سنت اسلامی و مشروطه " پادشاهی " در ایران بوده که ضمن آن ارتباط شیعه و قدرت سیاسی در ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت .

به رسم متداول، پس از زهر سخنرانی، مباحثه ای پیرامون سخنان گفته شده در می گرفت و پیشنهادهای مطرح می شد که معمولاً سخنران یا سخنرانان بدانها پاسخ می دادند. نکته ای که سده همه شرکت کنندگان در این اجلاس، اعم از ایرانیان یا اروپائیان، درباره آن همدستان بودند این بود که رژیم خمینی دیرباز زود فرو خواهد ریخت، ولی در این باره کدیس از رنگون شدن رژیم خمینی کدام نیروها جا نشین آن خواهند گردید، در میان روزنامه نگاران اروپائی توافق وجود نداشت.

با اینهمه برای همه شرکت کنندگان شش درمعه ۸

تجاوز به حقوق بشر در جمهوری اسلامی .

۶ - دوجوان بنام هنده ایرانی: موضوع: جنگ و تعدی به حقوق جوانان در جمهوری اسلامی .

۷ - دکتر عباسقلی بختیار، عضو شورای نهضت مقاومت ملی ایران

موضوع: ساخت اقتصادی و اجتماعی ایران - برنامهای بازاری ایران آینده

۸ - احمد میرفندرسکی، عضو شورای نهضت مقاومت ملی ایران

موضوع: موقعیت و اهمیت ژئواستراتژیک ایران در خاور میانه .

۹ - اوتوین لوک: نماینده مجلس ملی آلمان

موضوع: منطقه خلیج فارس - هدف های سیاست خارجی دنیا ی غرب بعد از استقرار دمکراسی در ایران

۱۰ - دکتر صادق صدریه، عضو شورای نهضت مقاومت ملی ایران

موضوع: جنگ ایران و عراق - استراتژی نهضت مقاومت ملی برای پایان دادن به جنگ .

شاپور بختیار خطوط کلی و اصلی حکومت و جا معده دموکراتیک ایران آینده را

ترقیات مادی خم میشود، می شنوم، شاعر بزرگ نما، گوته، در بستر مرگ و در آخرین لحظه حیات فریاد زد: " روشنائی بیشتر! این روشنائی معنوی است که جا معده بشری امروز گردا شد، با رسیدگی ها و بهتر تحمل می کردومی توانست بر بسیاری از تضادهای فاشق آید .

ایران به رهبری دکتر شاپور بختیار، وجهه نجات ایران به رهبری دکتر علی امینی برای شرکت در آن گرد همائی دعوت کرده بود.

از دکتر بختیار و دکتر امینی به عنوان سخنرانان اصلی این دیدار دعوت شده بود.

سخنرانان این سمینار شرح تعیین شده بودند:

۱ - دکتر دیترا شمیت، رئیس مسووسسه روابط خارجی بنیاد هانتس زایدل

موضوع: مقدمه ای برای این کنفرانس .

۲ - دکتر شاپور بختیار

موضوع: قانون اساسی و دمکراسی جا نشین آینده حکومت مذهبی ملایان .

۳ - دکتر علی امینی

موضوع: سنت اسلامی، قانون اساسی و سلطنت .

۴ - آرنولد هونتینگر - روزنامه نگار کارشناس مسائل خاور میانه از روزنامه " نوبه زورخرزایوتنگ "

موضوع: وضع کنونی سیاست داخلی در ایران .

۵ - یورن زیگلر رئیس جامعه بین المللی حقوق بشر آلمان

موضوع: دیکتاتوری و اختناق بنا م خدا

بیش با بدعتوان یک سند مقدس و معتبر ایدی دست نخورده بماند - میتوان آن را اصلاح کرد و با مقتضیات روز تطبیق داد .

اما همزمان، باید به ترمیم آثار وجود رژیم کنونی همت کنیم. تنها میراثی که رژیم خمینی، بعد از سقوط، برای ما، می گذارد، ویرانی ها و فاجعات انسانی فوق العاده است که باید برای جبران آن ها چاره اندیشی کنیم. ما، در سالهای ۱۹۵۰ تا هدمعجزه، با زسازی و پیشرفت

آلمان ویران شده بودیم. به این جهت است که برای بازسازی و آبادانی کشورمان بعد از خمینی، به شما و تجربیات شما نیاز داریم.

آقای رئیس،

در پایان سخن می خواهم فکری که خاطر را سخت مشغول می دارد با شما در میان بگذارم. من صدای ناله بتریت را که پشتش بیش از پیش، زیر بار فشار

### تظاهرات بزرگ ایرانیان در مونیخ

به مناسبت دعوت بنیاد هانتس زایدل از آئینسیون دموکرات ایرانی، برای شرکت در سمینار، به منظور بررسی مسائل آینده ایران، روز جمعه ۵ دسامبر، در پایان آن سمینار، تظاهرات بزرگی از سوی ایرانیان در مرکز شهر مونیخ صورت گرفت. تعداد تظاهرات کنندگان را مقام های پلیس بیش از دوهزار نفر برآورد کرده اند.

اکثریت بزرگ شرکت کنندگان در این تظاهرات را بندگان ایرانی آلمان فدرال تشکیل می دادند. در اکثر این تظاهرات، رفت و آمد در بخش های مرکزی شهر بزرگ مونیخ به مدت دوساعت متوقف شده بود. در این تظاهرات پیام دکتر شاپور بختیار که روی نوار ضبط شده بود، پخش گردید. در پایان تظاهرات دکتر عبدالرحمن برومند، عضو شورای نهضت مقاومت ملی ایران نتایج سمینار را در روز مونیخ را با اطلاع شرکت کنندگان رسانید. آنگاه قطبنا مه تظاهرات با ناسید همگانی فرا شد.

گزارش مشروح این تظاهرات را در شماره آینده بنظرخواهندگان گرامی خواهیم رساند.

حمینان عزیز!

هر روز نعلی صوری بهیچ مناسبت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح تا ۱۲ ظهر جریان آرمس خبرهای ایران و جهان قرار می دهد .

ساره تلفن:

۸۵-۸۵-۳۶-۴۳ - آری

شماره تلفن خبری از ۱۹۹۰ دسامبر ۸۶:

۰۵-۰۴-۴۰۵۹

سید زین العابدین

سازمانها، پلویه اسرار با هم، بشیر و  
بهمندهای اخیر و همراهمان  
برنا می خودمانند و ما است می خواهد  
به حریفان حالی کند جنگ با تروریسم  
از راههای دیگری نیز مقدمات و می  
راه میان بر را انتخاب کرده ام.

ریگان جای جای "حساب است موقوف  
جغرافیائی ایران" راه "معالج عالییه  
ایالات متحده" سوندمی زندان ما جرای  
برجنال "فروش اسلحه" را در متن  
"سیاست کمک به میانها" جابیندا زد  
و با رسیای آن راستگین کند.

می گوید: "بایسج میا نهروها و  
میدان دادن به آنها، خود خود تروریسم  
تضعیف خواهد شد - ثبات منطقه را خواهد  
گشت و جنگ شش ساله پایان خواهد یافت."  
بهر حال در این مقاله قضاوتی از رسیایی  
دلیلها و نتیجه گیریها نیست که در حد  
خود قابل تامل و بررسی است. منظور  
توجه بر همان نقطه ای است که بحران را  
به زندگی و آینده می جوش می دهد.

اولین برداشت از جمع همه استدلالها  
و ادعاهای این است که: "نقشهای زیان دهن  
رژیمی از درون رژیم حاکم" و با آنچه  
درست یا نادرست زیر عنوان "استحاله"  
شهرت یافته است، رفتارها و زسورت  
یک پیشنها در خارج می شود و در قالب  
یک "برنامه عملی" شکل می گیرد و در  
ساره ای از مراجع تصمیم گیری غرب جا  
باز می کند.

توجه به بعضی از نظریاتی که در خط  
حملهها و ضد حملهها مطرح است، خالی از  
بود نیست.

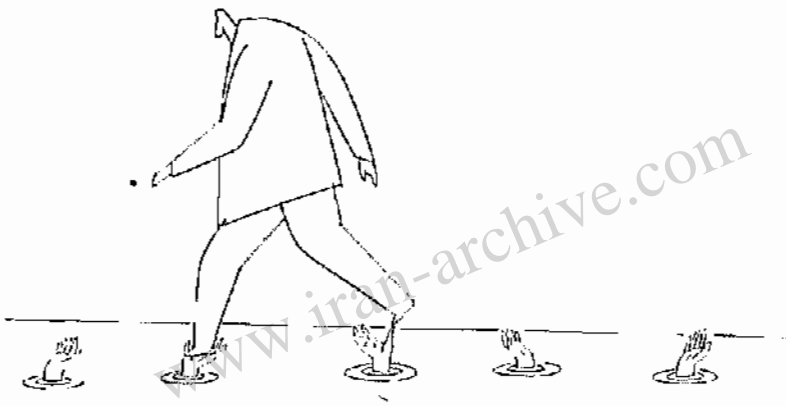
گروهی معتقدند "مشکل از آنجا ظاهر  
شد که کار با بر حرفه ایها و اگنذار  
نگردند و شورای امنیت ملی راه "سا"  
تهیه و اجرای طرح را بدون مشورت  
کارشناسان فن پیاده گرفت". معنای  
این است که اگر سرکرده های زیرزمینی و  
بندوبست های شش برده که خواس  
خبرکسسان اطلاعاتی و امنیتی است،  
بکار می آمد، احتمال موفقیت کم  
نیود. کیسینجر وزیر خارجه ای سبق  
و معما را ارتباط با حین، با این نظر  
موافق است، معتقد است که "فکر  
اصولاً بد نیست، ناراستی در عملیات  
بوده است"، الکساندر هیگ وزیر  
خارجه ای پیشین ریگان نیز "با توجه به  
حسابیت موقع ایران" - نفس ارتباط  
را رد نمی کند و کم و بیش با نظر کیسینجر  
موافق است، دستهای می گویند: "مخالفت  
یکبار چه دمکراتها از ریشه رتایت های  
سیاسی آب می خورد، بهانه می موثری  
جستجو اند و به کش دادن آن دست کم تا فصل  
انتخابات در رئیس جمهوری بی میل نیستند."  
این گروه کوششهای کارتر را ایجاد  
ارتباط با جمهوری اسلامی شاد می گیرند  
و "مذاکرات الجزیره میان برزیل و  
و با زرگان" را بیاد می آورند.

بنا بر این قابل فهم است که چارونالد  
ریگان، میل دارد مسئله "آزادی گروگانها"  
بعنوان یک مسئله فرعی تحت الشعاع  
"برنا می کمک به میانها" تلفیقی  
شود، میدانند اگر این فکر قوت بگیرد،  
طبقاً "صراحت حریفان نیز سبک تر خواهد  
شد. در عین حال کم نیستند افرادی که بنا

باز هم افسانه های چراغ سبز

دید وسیع تر و عاقلانه تری، اصولاً نسبت  
به وجود "قشر میا نهرو" در جنگل جمهوری  
اسلامی تردید می کنند، وجهی نمیشود  
"میا نهرو از تندرو" را در سرائط فعلی  
فوق العاده دشواری بینند. و ایست  
هد "معاون وزارت خارجه از گروه اخیر  
است. هد، در جلسه ای با جوئی کمیته ای  
اطلاعات مجلس نمایندگان (۲۴ نوامبر)  
نمن پاسخ به سئوالی می گوید: "راستی  
این است که ما واقعاً نمی دانیم چه  
عناصری در جمهوری اسلامی میانها رو  
هستند." و بعداً اضافه می کند: "بگمان من  
هیئت اعزامی به تهران (هیئت مسک  
فارلین) - در شناسائی و ایجاد ارتباط  
با "اشخاص" محتلاً" دچار اشتباه شده  
است." اعتقاد مسلم و منطقی خود ما این  
است که در معرفی و جوش اسلامی تلاش  
برای دستیابی به "اعتدال و میانندروی"

دوسوی نرد، امرتانه و تکفالت انگیزی  
نیست. "بدرمان تمثیل، تفهیم میکنند  
که معیار ردوستی و دشمنی در ترا زوی ما،  
صرفاً "معالج خصوصی ما است. سند برادر  
خواندگی با کسی امضاء نکرده ایم.  
اتفاقاً "یکای مسیت این حوادث، به  
نشستن و آموختن از همین راههای خرد  
ریز و افشاء نده، فرصتی می دهد و به  
انسان حالی می کند، سفره را به ما  
دهد آن و این رها نباید کرد. خیرات  
و میراثی در کار نیست.  
متاه سفانه در جمع ما ایرانیها کم  
نیستند، عناصری که علی رغم این ردیف  
تجربه ها، هنوز هم از هم و اضعیتها  
عاجزند و ریشه ای این عجز، عادت به  
زندگی انگلی است که رفته رفته ذهن را  
حتی از تصور انگاه بنفخ خالی می کنند و  
به مرحله ای میرسد که وجود خود را نیز از یاد



ار در حال خارج نیست، یا محمول  
بی خبری است یا بوشی بر مقاصد که از  
دیدگاه طراحان "معتدل ترانس" عربان  
ساختن آنها با بطلحت نیست، در هر دو  
مورد با بدبختی وقت منطق صحیح وقوسم  
ما خریداری نخواهد یافت، مگر آنکه از  
استواندهای یک قدرت "محسوس" بهره مند  
باشد جز این اگر انتظار را ریم که دستیار  
آستین خیر بر آید و شاخه کلی بدسینه می  
سناق کند، همین را علامتی بدانیم که  
بسختی گرفتار اوها موخوش خیالی شده ایم.  
بیگانه به عشق رها می ایران، نه رسالتی  
دارد و نه طبعاً "تجدیدی نگردن می گیرد،  
و از این بابت، مستوجب هیچ تاسوا و  
حتی گله و شکایتی هم نیست. در خط  
مطلحت های خود و با میانهای خاص خود،  
روی هر قدمی حسابی بازمی کند و پیش  
می رود و البته زلفش و اشتباه و محاسبات  
غلط و کج فکری هم مصون نیست، چه بسیار  
به بیراهه می رود و می باز دوا ما آنچه مسلم  
است، قعد او بر سودجویی است و ایسن  
خوان اول از واقعیتی است که بخصوص  
ذهن کسانی را با بدسرنگند که با گردنهای  
خنگ شده از انتظار، سالها است چشم به  
"چراغ سبز" دوخته و کور سوختگی هم  
ندیده اند.  
رئیس اسبق سازمان سیا، در کیرودار  
حملهها و ضد حملهها، حالا به عمد یا به  
سهو از دهانش می پود که "بازی کردن در

می برد. برای این قبیل مردمان باور  
کردنی نیست که ملتی در طرا زملت ایران،  
بتوا ندروزی و روزگاری با پای خود با یستند  
و با شش های خود تنفس کنند، بیپهوده نیست  
که در این ابا مسخت مضطرب و عزا دارند  
که چرا همای سعادت عمای می آخوند را بر  
کلاه آنها رجحان داده است؟!  
نگارنده ای این سطور بقطع و یقین میداند  
که تا همین جا و با همین حرفها، به اتهام  
خوش خیالی و زودبازی حکم صادره لوحی و  
نا سختی او به امضاء این گروه از هموطنان  
رسیده است - ولی باکی نیست، راستش  
این است که هر مصیبتی در این ۲۵ - ۸۵  
سال گذشته ما متنگر ما شده، شمرحاکمیت  
همین "عقلا همه دانی" بوده است که  
بسی از آنها در مناصب و مسراتب  
تصمیم گیری، با این روحیه ترسان که  
( نکند چکمه های گروهان مستشاری به  
غباری آلوده شود و دنیا را کن فیکون کند)  
ملتی را به سوی تاریکی و تیره بختی  
رانده اند.  
اما بعکس، مردمی که به قالبهای خشک  
ذهنی مبتلانیستند و برای مغز و شعور خود  
نیز حسابی با زکرده و اعتباری قائلند،  
در راستای چنین حوادثی بیش از پیش  
بیدار می شوند و با طر می آورند که در  
همین چهل و چند سال بعد از جنگ جهانی  
دوم چه بسیار از همین "قدمهای قدرت و  
دست های سرنوشت" در برابر ملتها کسی

ترجیح - در زندگی با برسی گذرگز  
سختیسان می آورند، نجایالت زده  
بناها فلج مانده اند!  
در اینشتی با ز، فضای شش قدرت حسا  
است، اختلافی نسبت تفاوت نظرات این  
نقطه آقا زمی شود که:

عنصرتکالی جز تسلیم و رضا حارهای  
شبی بیند و عصر بیهنا ر و ما حساب اراده  
امکان و ریکستنی در این با زار را نیز  
بعید نمی داند، البته بر طری که مردمی  
نخواهند شد تا کاداست بدست بچرخند و  
دوسیده شوند.

آدمیزاد فرهمند، در سیرامون خود  
تا هدای فراوان دارد، و بجای چسبیدن  
به اوها م و حدسیات به شاهها رجوع میکنند  
و در عین حال بخود حق داوری می دهد و  
غالبا "نتیجه می گیرد:

- اگر اراده ای این "خداوندان" به احکام  
ازلی بندید در هندستمدید و فقر سرزده  
و بیارت رفته، همچنان بوسه بر کسب  
"ما حبان" آبی چشم، بحکم سنت و وظیفه  
و مشیت خداوندی رواج داشت.

- اگر حترحما بیتا بر با بر سر آقای کلود  
دروالیه، دون زوان و رئیس جمهوری  
ما دام العمرها شیتی، سایدای ابندی  
گسترده بود، اوهم راضی نمی شد، به  
همه ما سرهنهها "میراث عزیز" پدر را  
رها کند و در این دنیا بی پناه در حسرت  
سربنا می، بهردری بگوید و بسا سخی نشنود.

- اگر اراده ای دولت فخمه در مقابل عزم  
سیاهان زمینا بوه تاب می آورد آقای  
یا ان سمیت میلی ظاهرنیود که جالی  
کنند و از "فضیلت پوست سفید خود" چشم  
بپوشد.

- اگر آن دستی که هفت سال به تنغ حضرت  
ژنرال بیگن میقل زد و بدید هیست  
خروس مردم بجان آمده ای آرژانتین از  
کار نمی ماند، تیمسار زهم آدگی  
دانت که بر فهرست بی هزار رسیده نیست  
و نا بدید شده، سی هزار روشت هزار دیگر  
رفتمیزند و بشگون بخت بیدا ره روز کوحه  
ویس گوجه های شربوشنوس آیرس را با  
خون بیگنا ها ن آب و جا رو کند.

- اگر آن قدرتی که ۲۵ سال غارت آقای  
فردینا ندما رکوس و طناری با نوی جمیل  
اورا تضمین کرده بود، به عزم را سخلمت  
به جوش آمده ای فیلیپین، مهربان طل  
نمی خورد، این "جفت سنا دتمند" را چه  
دلیلی بود تا جلال فرعون را به ساکنان  
حصار با دما نیلا بسپارند و بگریزند.

آدمیزاد فرهمند اگر خوش بین است،  
خوش خیال نیست، قبول دارد که این جا و  
آن جا هنوز هم بهره کشی ذائقهها را تحریک  
می کند ولی این راهم میداند که سالها  
است، توسری زدن و توسری خوردن از قلمرو  
"قضای الهی" خارج شده است.

با وردا رده سلطه گیری زنده است، ولی  
دیگر چون گذشتهها یکسویه نیست. معتقد  
است که در این معادله اراده ای بهره دهنده  
نیز یک رقم تعیین کننده است، در مبرز  
تصمیم اوست که بنای تسلط قوام بگیرد و  
یا منهدم میشود.

دیدنی ترین نمایشها هم اکنون در تار  
شوبنیا د "میا نهروی" روی صحنه است.  
یک سو آخوند در مانده، پس از هفت سال  
تا گها نا زخواب قدس و کربلا و خلافت کره

### پیام دگتر تاپور بختیار

#### به کنفرانس جامعه‌ی اروپا

تعدی به مردم ایران موجودیت خود را حفظ کرده است و با توسل به اسلحه، مرتکب نقض فاحش حقوق بشر گردیده است. بدین لحاظ نمی‌بایست به هیچ عنوان مورد قبول کشورهای دموکراتیک اروپا قرار گیرد.

علاوه بر این شواهد غیرقابل انکاری وجود دارد که جمهوری اسلامی عامل تنظیم و توسعه تروریسم بین‌المللی است و در سایه رهبری موحی خمینی، دولت اسلامی، امروزیک دولت تروریستی است. تحریک اشتیاق چنین رژیمی از طریق تشفیه آن که اقدام موهن اخیرا آمریکا یعنی فروش و ارسال اسلحه به جمهوری اسلامی، نحوه بارز آن است، یک محاسبه خطرناک به شما رمی رود که موجب طولانی شدن جنگ منطقه خلیج فارس و عدم ثبات خاورمیانه خواهد شد.

درخواست من از شما به مناسبت اجتماع سران اروپا در لندن، اینست که صریحا اعلام دارید آنچه که ممکن است انجام خواهد داد، دتا فروش اسلحه به طرفین جنگ ایران و عراق تحریم گردد و در مقابل هر نوع تحرکی در جهت توسعه روابط با رژیم خمینی - که به منزله یک راهزنی بین‌المللی است - ایستادگی خواهید کرد.

گوناگون می‌انجامد، ولی ملت ایران، که وی اکنون تک‌تک آنها را "میان‌درو" می‌خواند، این را فراموش نکرده است و هرگز فراموش نخواهد کرد.

ملت ایران خوب می‌داند چه بیش آمده است که رفسنجانی، به تازمه خمینیسی البته، صلاح در این می‌بیند که تندروری های کل نظام جمهوری اسلامی را بکسره فراموش کند و بگوید که، بده، "خر ما از کرگی دم نداشت".

واقعیت این است که رفسنجانی، هر چند در لغات و کلمات و گزارش‌های متداول، می‌خواهد خودش را برای غرب، بویژه آمریکا، بکشاند و بگوید که انقلاب تمام شد و اکنون جمهوری اسلامی فقط یک چهره دارد و آن چهره، مسالمت‌جو و آشتی طلب است. اما رفسنجانی و جمهوری اسلامی او در زیرین نقابا همیشه خنده‌دار و تر جلوه می‌کنند.

#### خطر تجدید نظر

تا دلی طبیعی دبیرکل اتحادیه‌ی عرب، در تونس گفت: موضع جا شیدا را تدیی که آمریکا برای فروش اسلحه به جمهوری اسلامی اتخاذ کرده فوق العاده و خامت با راست دبیرکل اتحادیه‌ی عرب و اشنگتن را متهم کرده که به تعهدهای خود عمل نمی‌کنند و گفت عدم فروش سلاح‌های آمریکا حتی در حد دفاعی به کشورهای عربی که با آمریکا روابط نزدیکی دارند، اکنون مورد سؤال فرامی‌گیرد. زیرا عین همان سلاح‌ها را آمریکا از سال ۱۹۸۵ به جمهوری اسلامی تحویل داده است. خبرگزاری فرانسه - ۲ دسامبر

دکتر تاپور بختیار رهبر نهضت مقاومت ملی ایران ضمن ارسال پیامی به کنفرانس سران دوازده کشور عضو جامعه اروپا که در لندن برگزار شده است، هشدار داد که تحریک اشتیاق جمهوری اسلامی از طریق تشفیه آن محاسبه خطرناک است که موجب طولانی شدن جنگ در منطقه خلیج فارس و عدم ثبات خاورمیانه خواهد شد.

متن نامه رهبر نهضت مقاومت ملی کذب کنفرانس روی دوازده کشور عضو جامعه اروپا در لندن تسلیم گردید، چنین است: "من از طرف تمام کسانی که آرزو دارند روزی نظامی مبتنی بر دموکراسی در ایران برقرار شود و با ممول حقوق بشر و قوانین بین‌المللی احترام بگذارد، از شما و تمام همکارانتان تقاضا دارم که زهر شوع اقدامی در جهت آنچه که به اصطلاح عادی ساختن و توسعه روابط کشورهای اروپای غربی با رژیم خمینی تغییر می‌شود، خودداری کنید. اشتیاقی خطیرتر از این نخواهد بود که تصور شود رژیم خمینی دائمی است، یا اینکه رژیم خمینی از بن این رژیم می‌تواند سربر آورد که مورد قبول قرار گرفته، وضع نابتی داشته باشد.

رژیم فتنی اسلامی فقط به تکای ظلم و کلاه یکبار محکومان قاچاق مواد مخدر را در ملا عام به‌دراخواست و بیخست، فراموش کرده است این را که در همین جمهوری اسلامی نوجوانان نابالغ و زنان باردار را تیرباران کرده‌اند. نیز فراموش کرده است این را که تندروری و خونسخت به حدی است که هر چند وقت یکبار "فتنه‌الیفندر" آیت‌الله منتظری زبان بد نصیحت می‌گفت و بدو حزب الله را از اعمال خونسخت برحذر می‌دارد.

ها شنی رفسنجانی ظاهرا "به‌سادگی فراموش کرده است که در جمهوری اسلامی، آنجا که زبان کتلودوتا زبان شوکت‌کنجه خاموش می‌شود، زبان جا شو و جملای و پنجه‌بوکس، زبان اهاشت و دشنام و آبروریزی به سخن گفتن با زمی نمود. و حالا تا که این جمهوری اسلامی به چشم بهمزدنی تغییر ما هیت داده و نه تنها عناصر میانه‌رو در آن اکثریت پیدا کرده‌اند، بلکه "کل نظام، از رهبری گرفته تا تک‌تک افراد" همه میانه‌رو شده‌اند.

مگر ازگان و سنجایی، قطب زاده و بنی مدر، هر کدام به نوعی چوب همین میانه‌رو را نخوردند؟ مگر ایدئولوژی تبلیغ شده جمهوری اسلامی نمی‌گفت و تکرار نمی‌کرد که لیسرال‌ها در برابر "خط امام" خط میانه‌رو را انتخاب کرده‌اند، و خط میانه‌رو انسان را به سوی سرمایه‌داری و امریالیسم می‌برد؟ علی‌اکبر رفسنجانی شاید فراموش کرده باشد که، بعد از خودش، در هیأت حاکم جمهوری اسلامی چندین گرایش متضاد وجود دارد که اگر در کشورهای دیگر وجود داشت، به تشکیل امیزاب



محمدظرافت خوا و اما حقهصری دوشن از تروریست‌های خمینی

### تروریست‌های خمینی شناسایی شدند

این سه تروریست‌ها از کشتن سه سرباز نهضت مقاومت ملی ایران به شهران باز گشتند. افسران عالی‌رتبه‌ی نهضت سرگرد بهروز شاه‌وردی در منزلش به قتل رسید، سرتک‌های عزیزم‌رادی در برابر خانه‌اش ترور شد، و سرتک‌ها مدفون‌ها تروریست‌ها در استنگ‌ها توبوس به قتل رساندند. بنا به اظهار پلیس استانبول، عکس و مشخصات این سه تروریست به تمام مرزهای ترکیه ارسال شد و همچنین در اختیار پلیس بین‌المللی قرار گرفت. طبیعت می‌نویسد: ظرافت خواه، افسر سازمان ساوا ما، به یادش چنان با تکیه به دستور رژیم خمینی در استانبول انجام داد، درجی سروانی را به دست آورد و هم‌کنون در شهران اقامت دارد.

ملیت، جاب ترکیه، در شمار ۴۷ شوا میر خود، گزارشی در باره شناسایی قا تلان سه سرباز نهضت مقاومت ملی ایران، همراه با تصویر دوشن از آن‌ها به جاب رسانده است. بخشی از این گزارش در شمار گذشته قبا ما ایران به چاپ رسید. ملیت زیر عنوان "مشخصات جاب سوسان خمینی در استانبول کشف شد" می‌نویسد: پلیس استانبول به دنبال تحقیقاتی که به عمل آورده هویت قا تلان ۳ افسرا ایرانی عضو نهضت مقاومت ملی در استانبول را کشف کرد. براساس این تحقیقات، پلیس که موفق به شناسایی محل اقامت تروریست‌های خمینی شده بود، اسامی تروریست‌ها را بد این شرح اعلام کرد: سروان محمّد ظرافت خواه - بورانی - وزنی به اسم ابا حقهصری.

### شاه‌شاهانه تمام عیار

بقیة زمفحدا

گرفته تا تک‌تک افراد ملت، میان‌درو هستند. "ها شنی رفسنجانی سراجی فراموشی کرد این تهدیدهای گذشته خود را که گر چنین وحان شود، ساختن اسلام سرا سر خلیج فارس و منطقه، بیرون آن را غرق آتس و خون خواهد کرد. فراموشی کرد این تهدیدها این را که سرهای سادسا همان و امیران منطقه، یکی پس از دیگری، سر خاک خواهند رفتید و تخت و تاجان بسکی پس از دیگری بویا دخوا هدر رفت. فراموشی کرد این تهدیدها خود را نسبت به زنان و جوانان میهن ما، که اگر سواک با رفتارشان طوری باشد که امت حزب الله را به خنم آورد، کناه آنان به گسردن خودشان خواهد بود.

وی نه تنها بخنان دیروز خود را فراموش کرده است، بلکه سخنان همین امروز سیاری از عتبات تندروری جمهوری اسلامی را از یاد برده است که می‌گویند و تکرار می‌کنند که انقلاب اسلامی با همه‌چنان با خونسخت تمام به راه خود ادامه دهد، فراموش کرده است سال‌های گذشته را که مردم بیگناه با کم‌گناه را دست‌سخته در جلو چشم همگان در گذرگاها و خیابان‌ها تیرباران می‌کردند، فراموش کرده است حرف‌های همین چند روز پیش آیت‌الله شیخ عبدالکریم موسوی اردبیلی را که گفت برای عبرت گرفتن دیگران هر چند

در نماز جمعه تهران، درست مانند یک تماشاخانه، با زیگران بدون وجود دارند و با زیگران متوسط و خوب نیز. برخی همان راه‌های نقش‌ها را خوب ایفا می‌کنند و پاره‌های نقش‌ها را بد. مثلا "موسوی اردبیلی بهترین جلوه را هنگامی می‌کند که در نقش آدم‌های ابله و خنگ ظاهر می‌شود. سیدعلی حاتمندی وقتی که می‌خواند نقش لایزن را بازی کند، مهارت بیشتری نشان می‌دهد تا هنگامی که می‌خواهد در نقش فرمانده نظامی جلوه کند. علی‌اکبرها شنی رفسنجانی، کسه بیشتر از همه در آن تماشاخانه نقش بازی می‌کند، ظاهر "از دیگر همپالکی‌های استعداد هنریشگی بیشتتری دارد. گردش‌های صدوشتاد درجه‌ای او انسان را بی اختیار به نقش هنریشه‌های ماهری می‌اندازد که فایده، میان دوشن کا ملا" متضاد را گهگاه چنان می‌بیند که کمتر بیننده‌ای متوجه آن می‌شود.

از این حیث بررسی سخنرانی‌های او در نماز جمعه‌های نکته‌های درخور توجهی است: از جنبه‌های فکاهی نیز خالصی نیست، او در آخرین سخنرانی‌ش در تماشاخانه، نماز جمعه حرف‌های زد که تاکنون کسی از او نشنیده بود. در این سخنرانی معلوم شد که نه تنها وی، بلکه "کل نظام جمهوری اسلامی، از رهبری



### ایتالیا، بهانه‌ی جدید

روزنامه‌ی فیگارو زیر عنوان: هیچ چیز میان جمهوری اسلامی و ایتالیا روبه‌راه نیست، می‌نویسد:

بنظر نمی‌رسد که تهران وقتی اعلام می‌کند که فیلم کوتاه پخش شده از تلویزیون ایتالیا، به مقدسات مذهبی تمام مسلمانان عموماً "شخصیت خمینی" بخصوص، توهین کرده است، قصد شوخی داشته باشد. زیرا در تمام آن سده دیپلمات ایتالیا بی‌را از جمهوری اسلامی اخراج می‌کند. انجمن فرهنگی ایتالیا در تهران را تعطیل می‌کند و سفرهای خود را در راه فرامی‌خواند. و این همه را سخنگوی وزارت خانه همداری قبل از دردهای جدی توتل می‌کند. دردهای بی‌انوع تظاهرات حزب الهی‌ها می‌تواند تحریک شده در برابر سفارتخانه، چنانچه درم از توهین به بزرگترین مقام روحانی رژیم برخوردار می‌گردد.

فیگارو سپس می‌نویسد: ظاهر "توضیحات مدیر شبکه‌ی تلویزیونی که گفته است قصد توهین به هیچ مقام یا شخصیتی در میان نبوده و توضیح وزارت خارجه ایتالیا مبنی بر اینکه سیاست خارجی ایتالیا را برده‌ی کوچک تلویزیون تعیین نمی‌کند برای جمهوری اسلامی کافی نبوده است. نخست وزیر رژیم اسلامی ضمن محکوم کردن نمایش این فیلم به عنوان یک عمل توهین آمیز گفت، ایتالیا بی‌شمار

### تعویض سلاح‌ها!

روزنامه‌ی واشینگتن پست چاپ آمریکا بنقل از منابع مطلع نظامی در آمریکا و اسرائیل نوشت: به هنگام تحویل بخشی از سلاح‌های آمریکا به جمهوری اسلامی در آبان ماه سال گذشته از طریق اسرائیل، دلالت‌های اسرائیلی به جای قطعات پدکسی نوع جدید موشک‌های ضد هوایی "هاوک" قطعات نوع قدیمی این موشک‌ها را به جمهوری اسلامی فرستادند. به گفته این منابع، تعویض قطعات مذکور ناشی از بی‌اطلاعی دلالان در امر اسلحه‌فروشی از قیمت‌گذاری. تعویض قطعات، هشتم آمریکا و جمهوری اسلامی را برانگیخت و باعث شد که آمریکا از آن پس، قطعات مورد نیاز جمهوری اسلامی را مستقیماً از انبارهای اسلحه خودتأمین کند، نه مانند قبل از آن از انبارهای اسلحه اسرائیلی. به نوشته "واشنگتن پست"، دلالت‌های اسرائیلی قطعات پدکسی نوع قدیمی موشک‌های هاوک را به جمهوری اسلامی داده بودند نه آنطوری که جمهوری اسلامی خواسته بود. قطعات موشک‌های "هاوک" - آی "را که نوع جدید موشک‌ها وکاست، رژیم تهران، قطعات دریافت شده را به اسرائیل پس فرستاد و کاخ سفید از آن پس تصمیم گرفت از مراجع به دلالت‌های اسرائیلی خودداری کند و از آن پس قطعاتی را که از انبارهای خودتأمین کرده بود، از طریق اسرائیل به جمهوری اسلامی فرستاد.

واشنگتن پست - ۲ دسامبر

### ایران و خاورمیانه



### در مقبولات بین‌المللی

## جنگ جانشینی

جنگ و آخوندهای جوان با مذاکره با آمریکا مخالفت کردند. و در این میان مخالفان اروپا قریب تر در ترکیه به نهضت‌های آزادی بخش اسلامی است که نبرد علیه رفسنجانی را شدت می‌بخشد. این دفتر که تحت سرپرستی مهدی هاشمی، عضو اردوستان منتظری قرار داشت حزب الله لبنان و جنبش‌های مقاومت در کشورهای خلیج فارس را هدایت می‌کرد.

نوول ابسرواتور می‌افزاید: بسیاری از وقایع متفا دجون گروگان‌گیری، مذاکره برای آزادی گروگان‌ها، آزاد شدن آنها و تروریسم را میتوان در پرتو اختلافات شدید بین دا اردوستان منتظری و رفسنجانی بررسی کرد. واقعه عجیبی در پاریس - امسال سیرو قایق را شدت بخشد. کارزار سوریه در تهران بوسیله طرفداران مهدی هاشمی ریزیده شد. جنای بعدی مهدی هاشمی به همراه ۱۵۰ تن از بارانش دستگیر شدند. اما طرفداران منتظری ضد حمله را آغاز کردند. دانشجویان خط امام اعلامیه‌هایی منتشر کردند که در آنها سفر مخفیانه مک فارلین به تهران، فاش شد. آنکه رفسنجانی ناگزیر تا بید کرد که مک فارلین به تهران آمده است اما برای ماست مالی کردن قضیه مدعی شده کسی در تهران با مک فارلین مذاکره نکرده است که این سخنان را کسی باور نکرد. به دنبال افشای این قضیه بحب و جنجال در همه جای ایران از جمله در جبهه‌ها آغاز شد. موضوع مذاکره رژیم با آمریکا در همه جا مطرح است. دانشجویان خط امام طی کنگره‌ای از خمینی خواستند نظر خود را بیان کنند. او پاسخ داد که کاخ سفید تبدیل بدکاخ سیاه شده است اما از محکوم کردن رفسنجانی خودداری کرد. در واقع خمینی که کما ملاً "در جریان مذاکره با آمریکا بود میخواست هدبترتری خود را بر جناح‌های درگیر جمهوری اسلامی حفظ کند و کم‌سخن می‌گوید.

روز ۲۹ آبان ماه زیر فشار جناح تندرو مهدی هاشمی طرفدارانش (با وجود اتیامات بسیار سنگینی که بر آنها وارد شده بود در جمهوری اسلامی هر یک برای اعدا منتهی گامی است) آزاد شدند. این برای منتظری یک پیروزی بشمار می‌آید. تا جنگ برای جانشینی خمینی تا زده در تهران آغاز شده است.

هفته‌نامه "نوول ابسرواتور" چاپ پاریس در گزارشی زیر عنوان "جنگ بر سر جانشینی خمینی آغاز شده است" به قلم "پیر بلانشه" می‌نویسد: در نماز جمعه ۳۰ آبان دانشگاه تهران شعارهای مرگ بر آمریکا و مرگ بر رفسنجانی شدیداً لحن تراز همیشه بود و به وضوح حالت ناآرامی بین ده تا پانزده هزار نفری که در نمازهای جمعه تهران شرکت می‌کنند دیده می‌شد.

در پایان نماز، جوانان در شعارهای خود، غیر مستقیم هاشمی رفسنجانی مرد شماره ۲ رژیم واحد خمینی را مورد حمله قرار دادند.

"نوول ابسرواتور" می‌نویسد: شواهد و قرائنی که از ایران می‌رسد با یکدیگر تطبیق می‌کنند. جنگ برای جانشینی آیت الله خمینی ۸۶ ساله بشدت جریبان دار. در این میان دو تن از سایر ملاها یک سر و گردن بالاترند. یکی آیت الله حسینعلی منتظری، ۶۴ ساله یا قدیمی خمینی و جانشین موعود وی و دیگری هاشمی رفسنجانی ۵۴ ساله سیاست‌باز مخوفی که از تغییر دادن اتحادیه‌های خود با کسی ندارد. مسئله‌ها در جنگ با عراق در مرکز تبریز قرار دارد. رفسنجانی واقع گرا، نخستین کسی بود که دریافت پیروزی نظامی بر عراقی غیر ممکن است. او دو سال تلاش کرد آمریکا را قانع کند که جمهوری اسلامی تنها به سقوط صدام حسین رئیس جمهوری عراق راضی است. وی حتی تا آنجا پیش رفت که علناً اعلام کرد: "ما حاضریم با حکومتی طرفدار آمریکا در عراق به مذاکره بنشینیم." وی از بزرگ برنده فوق العاده‌ای نبوده بهره مند است و آن بشتیانی احمد خمینی است.

"پیر بلانشه" در تفسیر خود می‌افزاید: با سرداران انقلاب، بسیجی‌ها و داوطلبان

## جنگ نفتکش‌ها

بعضی‌های مدعی شده‌اند که در سال ۱۹۸۵ میلادی مسرود شده‌اند. و در سنج، آنها را در محل عراق کرده‌اند.

مک‌ساید بیکر کسری جنگ حمله به کوه‌های ساو در خلیج فارس است. از حمله مک‌ساید ساو در کوه‌های ساو اما با منحنی عریضی توسط هواپیمای ناوگان ساو در عراق در آن دن کسید و تعدادی محروم شدند.

اکنون بنظر نمی‌رسد که هیچ‌کس از اسباب معنی حمله فارس را می‌تواند حساب کند. اما با منحنی عریضی در حمله به رانگورهای محترم موشک استفاده می‌کند. اما برغم خطراتی که وجود دارد در بعضی‌ها به خاطر طریقات عظیمی که وجود دارد همچنان به آندورفت خود در حمله فارس ادامه می‌دهد. در عین حال برخی از این بعضی‌ها به دو سال متدیوک سجز شده‌اند که عمدتاً مصنوعی اتحاد می‌کنند و راه‌ها را هم‌اکنون می‌توانند با زمان بعضی‌ها از اتحادی حیاتی کسی در آن حسدی پس، اعلام کرده در صورت سید حذر در حمله فارس شرکت‌های مالک بعضی می‌رسند در حمله فارس را محرم کند.

به گفته‌ی کارسان سرگ سمدی لوبدر لندن، حمله‌ی هوایی عراق به جزسره‌ی لارک از سمدی جنگ بعضی‌ها در حمله فارس و کسری آن سمدی هم‌رکاب می‌کند.

سراسر کارسان‌های لوبدر لندن، از آغاز جنگ جمهوری اسلامی تا عراق در سال ۱۳۵۹ تا بد حال، مجموعاً ۲۵۸ کسری مورد حمله قرار گرفته‌اند. ۲۱۶ نفر را رگبار کشتن بعضی‌ها و کسری‌های دیگر کشته شده‌اند.

تا سمدی لارک در سرسره‌ی سمدی هواپیما‌های عراقی در حمله فارس است. یک کارسان لوبدر در آن سمدی گفت: عراقی‌ها از سمدی سوز و گریه کردند. پس کارک را بخار را کردند و بعد حمله‌ی سری و بالاخره تا سمدی لارک را مورد حمله قرار دادند.

آمارگیری‌های روزانه‌ی سرگ سمدی لوبدر لندن فقط شامل گسترش جنگ در حمله فارس نمی‌شود. بلکه به استناد حمله‌ی کسری‌ها به سمدی در سال ۱۹۸۶، ۹۷ کسری شامل بعضی‌ها و کسری‌های در حمله فارس مورد حمله قرار گرفتند. این تعداد کسری معطوف به ۲۲ کشور متفاوت بوده‌اند. سمدی از سمدی فارس سمدی، بعضی‌ها بوده‌اند و حداقل سی بعضی، طریقی سمدی از ۲۵۰ هزار سمدی است.

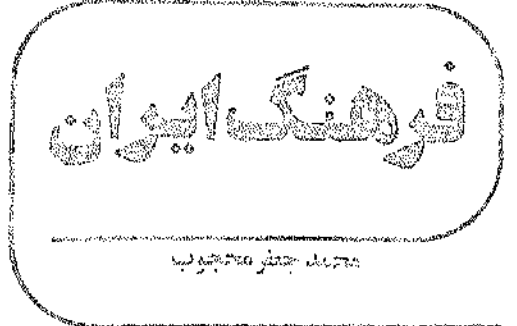
در سمدی از موارد سمدی را

**راديو ايران ساعت‌های پخش برنامه**

**برنامه اول**  
 ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰ صبح ساعت ۱۸ تا ۱۹ به وقت تهران: روی امواج کوتاه ۱۵۰۰ کیلوهرتز و ۲۵ متر (فرکانس ۱۷۵۰ کیلوهرتز) و ۳۱ متر (فرکانس ۹۲۰ کیلوهرتز) و ۲۲ تا ۲۲/۵۵ به وقت تهران روی امواج کوتاه و در بعضی‌ها ۳۱ متر (فرکانس ۹۲۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۲۰۷۵ کیلوهرتز).

**برنامه دوم**  
 ساعت ۶ تا ۶:۵۵ روی امواج کوتاه ۱۵۰۰ کیلوهرتز و ۲۵ متر (فرکانس ۱۷۵۰ کیلوهرتز) و ۳۱ متر (فرکانس ۹۲۰ کیلوهرتز) و ۲۲ تا ۲۲/۵۵ به وقت تهران روی امواج کوتاه و در بعضی‌ها ۳۱ متر (فرکانس ۹۲۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۲۰۷۵ کیلوهرتز).

کاروان لوبدر - ۲۸ صا ۸۶



# داستان پیر چنگی

سنت از این گفتاری دریا پره منور سراف مولانا لاجال الدین و دیگران را را ودا ستیم، و تقسیم که گورستر مولانا در تمام دوران زندگی سربلندی مبروف شرح حقا یعنی و معارف انسانی و تربیت نوع بسوی وسط نهریا نویفت و کتابت از جنونیت و تعصب و سخت گیری و خنک مذهب سی و تتری بودن شده است و ساید هیچ کتابی به انداز منتری وی - که خود آن را نزدیا ن آسمان و مینقل ارواح می خوانند در کار مبارزه با خا می و تعصب و خشونت موه نشود است . از همین روی است که می گوئیم بعضی از داستان های این کتاب گران قدر را که ما همدا دق این مدعا است بیا خوانندگان گرامی در میان بگذاریم و امروز داستان پیر چنگی را آن برزیده ایم .

لازم توضیح نیست که مولانا داستان سرایی و شرح قصص فقط وسیله ای برای بیان مقاصد تربیتی خویش می داند، و از این روی هر جا که مقتضی می دانند داستان را متوقف می سازند، و به بیانه استعمال کلمات یا ضرب المثلی یا شرح حادثه ای حاشیه می رود و مطالب خود را بیسابقه می کنند، داستان پیر چنگی بدین تفصیل و این صورت که در مشنوی آمده در جای دیده نشده است. لیکن در دو کتاب قدیم ترا مشنوی، یکی اسرار التوحید در احوال ابوسعید ابوالخیر صوفی صاحب نام و دیگری مصیبت نامه عطار، داستان های مشابه آن دیده شده است .

در هر دو کتاب پیری چنگی نوا زو فیکر را در نیشا بومی ببینیم و به جای عمر، ابوسعید ابوالخیر و اسرار التوحید و بیرونی می رها کند. مطابق روایت اسرار التوحید، پیر چنگی جوانی و خوش خوانی را از دست می دهد و دیگر کسی او را به چنین و میمانی نمی خواند و در آن روزی که می شود که زن و فرزندان را از ورای بگرداند و زانو بیرونش کند . پیر چنگی در نیشا بومی رود در زیر طاقی و پسران برای خدا چنگ می نوازند، در همین حال کارگرانش به یکبار ابوسعید برای هربینه خاقانه ویا را ن شیخ میانی به کار شده و در آن نظر رگنایشی است . زنی صد دینا زر می آورد و کارگرانش را شاد می کند، اما شیخ دستوری دهد که وی به گورستان برود و تمام صد دینا را به چنگی ببرد، پس از این واقعه حضور شیخ ابوسعید می آید و توبه می کند، فردای آن روز میرید دیگر دو پست دینا ربه خا نقیسه می آورد و او را کارگر را ریز برداخت می شود، در مصیبت نامه عطار، پیر چنگی گورستان به مسجدی خواب پناه می برد و کسی که صد دینا رمی آورد مردی اهل خیر است و آن که زورا به پیری رسانده متنگ را وست .

آنجا که اسرار التوحید و مصیبت نامه هر دو در زمان مولانا در مشنوی آورده شده و توجه بوده است، این حدس که مولانا قصه را از این دو کتاب و بخصوص از مصیبت نامه عطار گرفته باشد درست به نظر می رسد. اما در قصه مولانا به جای ابوسعید یا عمر بن خطاب رو به روستای ممکن است ما یک مولانا کتابی دیگر یا شکره بروجائی نامانده یا هنوز در شما رنسخه های خطی نا شناخته است . نیز امکان دارد که مولانا خود داستان را برای رعایت روش ها و قوت و فن های داستان سرا بی به روزگار خلافت عمر نسبت داده باشد و اگر چنین باشد، باید بر جان سخن آفرین مولانا و شیوخ او در داستان پردازی هزار آفرین گفت، چه در میان خلایق را شادین و صاحب رسول اکرم (ص) عمرا زهمه جدی تر، از همه با میا بیست تر و در کار جاری قوانین شرع و حدود اسلام از همه سخت گیر تر بود، گفته اند که وی هر جا می رفت همواره پاره پاره ( = تازیانه ) خود را به همراه داشت تا به محض دیدن امری برخلاف شرع، مرتکب را به سزا برساند، نیز غزالی در کیمیای سعادت و نیرکت با حیا و خویش روایت می کند که عمر شریفی از خانه ای صدای موسیقی شنید، نزدیکان گذاشت و از دیوار بدان خانه رفت، اما ما حب خانه بدو گفت که گرمی یک خلاف شرع کرده ام، توبه خلاف شرع کردی، نخست آن که خداوند فرموده است که مؤمنان از در خانه ها وارد شوند نه از دیوار، دوم آن که دستور داده است که وقتی به جای وارد شدید سلام کنید و تسبیح نکرده، سوم آن که از جنس نهی فرموده است و شوشن کرده، عمر سعدین گفت که مجاب شد و از صاحب خانه خواست که از خطاهای او درگذرد، البته عمر نیز در برابر در گذشت وی از سه خطا، از یک لغزش صاحب خانه در گذشت و او را عفو کرد . نیز در یکی از مجموعه های داستان عواما نده که در نوا حسی سنی مذهب آسیای مرکزی به زبان فارسی نوشته شده است حکایتی خواننده ام که به موجب آن عمر دستور داده شد است ابوشحنه را که با زنی زنا کرده بود حذر بنزد آن پسر در حین اجرای حد ایدر خواست تا دستور دهد شریفی آب بپدو بدهند و غمرا وقت نکرد و همچنان بسرا تا زیا نه زدند و وی در حین اجرای حد از جان سپرد، از این روی است که "عدل عمر" بسیار معروف است و به دل لقب "فارسا روق" داده اند، یعنی جدا کننده حق از باطل و تمام این مطالب نشان از سخت گیری و مهارت وی، و گذشت نا پذیری در اجرای حدود و موازین شرع دارد . اکنون خواه این قصه در کتاب های پیش از مولانا به عمر نسبت داده شده و خواه نشده باشد، صرفاً انتخاب مولانا که به جای ابوسعید ابوالخیر، صوفی مهربان بشردوست و

بسانند نظریی تحتب، ناریق اعظم عمر بن خطاب صحابی بی توکم مجازات نای سرعتی را به قدر ما فی داستان غریب برزیده است تا نشان سعده مدر و پلندی تکر و قدرت طبع و شوانایی او در داستان سرایی است، خلاصه بند روایت مولانا لاجال الدین، داستان پیر چنگی در منسد عمر بن خطاب خلیفه دوم اتفاق می افتد و این است خلاصه داستان و عنوان آن:

داستان پیر چنگی که در عهد عمر رضی الله عنه، به رخداد روزی نوبی چنگ زد میان گورستان

آن سیدتی که در عهد عمر سفری با کثرت و سبب از او را ویی خود سدی یک طرف از او از حبس صد سدی مجلس و مجمع دسی آراستی وز نوای او تکیاست خاصستی همجو اسرافیل، گاوازی بنی مردگان راجان در آرد در بدن یا رسولی بود اسرافیل را کز معاس بر برستی فیل را سازد اسرافیل روزی ناک را جان دهد پس بوسیده صد ساله را .. مطربی گزوی جهان شد مطرب رسته زا و ازش خیسالات عجب از نوایس مرغ دل بران سدی و ز صدایس هوس جان حیران سدی چون بر آمد روزگار و با برید با زجانش از عجز، بشه گیریست بهت او کز گشت همچون بنشتم گشت آواز لطیف جان فرای زشت و نوزد کس نیرزیدی به لاش آن نوای رنگی زهه آمده همجو آواز خری پیری شده خود کندا مین حوس که او خون خسته ؟ یا کادا مین سفک ان مفرس شنید ؟ غیر آواز عزیزان در مسدود که بودا رنگی کثمان نغ مور چون که مطرب بپیر تر گشت و ضعیف بد زبی کسی رهین یک رغیف گفت: "عمر و مهلتم دادی بسی لطف ها کردی خدایا با ضعیف و زبیده ام هفتاد سال با بگریفتی زمن روزی نوال (= بخش) نیست کسب، امروز همان توام جنگ بهر تو زیم، کآن توام " پیر چنگی، گرسنه و بی نوا، چنگ خود را برداشت و به گورستان مدینه رفت، فریاد بر کشید و چنگ را بر گرفت و بنواخت و گفت ای خدا، امشب "ابریش میا"ی خود را از تو می خواهم چون تنها تویی که راه ندهندگان را به نیکویی پذیره می شوی، این بگفت و چنگ زد و آواز پیر کشید و چندان شواخت و خوانده تا خسته شد، چنگ را به جای بالاش برگزید و گذاشت و گریه کنان سر بران نهاد ...

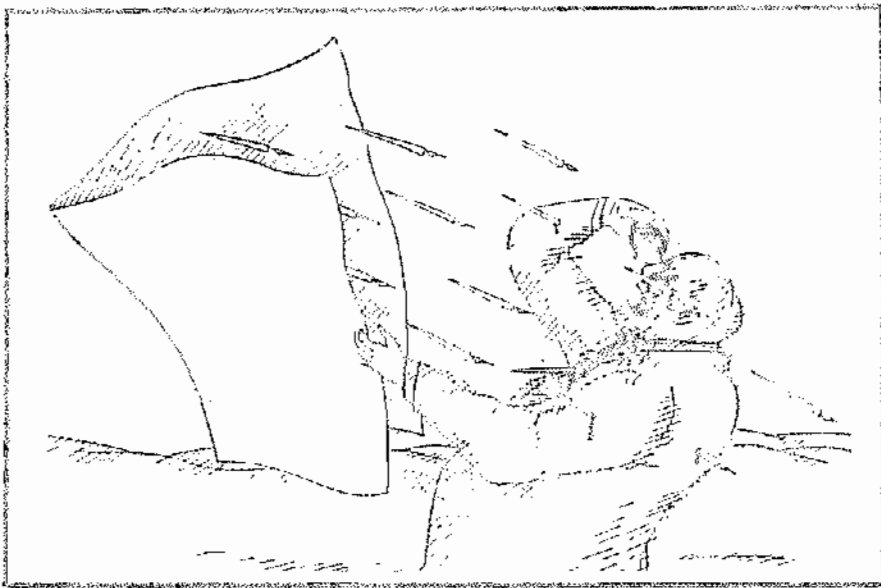
گفت: "خواهم از حق ابریم بیاید" سوی گورستان پیرب آه گوید که ز دسپا روگریان سر نهاد حک کالین کرد و برگزید فتاد خواب بردس، مرغ جانس از میس رست جنگ و چنگی را رها کرد و بچست کشت آزاد از تن و رنج جهسان درجهان باده و صحرا یی جان جان او آنجا سرا بان ما چرا کاندرا بنجا گریمان سدی مرا (= اگر مرا می گذاشت) خوش بودی جانم در این ماغ و سهار مست این محرا و غیبسی لاله زار بی پیروی پا سفر می گردمی بی لب و دندان سگر می خورد میسی ذکر و فکری، فارغ از رنج دماغ کرد می با ساکتان جوح، لاغ (= باری، نوحی) چشم بسته، عالمی می دید می ورد (= گل سرخ) و ریحان بی کمی می جیدی در عالم خواب، جان پیر در فضای رحمت و احسان حق گرم گشت و گذار بود و آواز رنج بی نوایی و نادر خوانش در جهان واقع چیزی بیاد نمی آورد، در همان هنگام خوابی گران، خلیفه سخت گیر و بی گذشت، عمر را فریاد گرفت، هاتنی در خواب عمر آواز داد که بر خیز و او این مقدار زر از بیت المال برگزید و بدان مرده که در گورستان خفته است بده؛ آن زمان حق بر عمر خوابی گماست تا که خویش از خواب بخواست داشت

در عهد امامان حسن و حسین در میان سیدان و سیدیه و سیدان در حیات سراسری، کجا آمدند تا مدنی از حق ندا، عاس سید آر مدانی کاملی حیات و کواست خرددا آن اسد و ابی مدانی سب ترک و کرد و سراسری کو و غیب سیم کرده آن مدانی توب و لب غودحای شرک و ناچک است و زنگ؟ ضم کرده است آن بدارا حارب و سندان مولانا در ضمن شرح داستان، با رها از نقل متن منصرف شده و به شرح عفا خود پرداخته است، مثلا "در همین مقام و پس از این ابیات می گوید خداوند ایام ستم موجودات را مختلط قرار می دهد و آنچه می باشد به جهان هستی می نهد، در حقیقت ندای خدا را با سخ گفته است. سس در باره شرح فیمدا شتن سنگ و چوب به شرح داستان ستون چنانه (= ناله و فریاد دکننده) می پردازد:

آشنی تختانه از هجر رسول ناله می زد همچو ارباب عقول گفت بیغیر: "چه خواهی ای ستون؟" گفت: "جانم از فراق گشت خون مسندت من بودم، از من ناخستی بر سر من بر تو سمند ساختی؟"

گفت: "خواهی که توران نخلی کنی؟ سرفی وغیری ز تو میوه چنند؟" با در آن عالم، حقت سرفی کند تا سرتو ز بهمانی تا ایسد ؟ گفت: "آن خواهم که دادیم شد قاس بشنوی افابل ۱ کم از جویی میاش سپس گوید رسول بفرمود آن ستون را در زمین دفن کردند تا در قبامت ما نشند آمد میان آن ز خاک بر خیزد و به بهشت رود، مراد مولانا از بیان این داستان کوتاه در طی داستان پیر چنگی آن است که نشان دهنده عشق، محبت و اخلاص و توجه به سوی حق، از هر عبادتی با ارزش تر است و این همان مضمونی است که سراسر ادب فارسی از آن مالا مال است، سندی گفت: عبادت بجز خدمت خلق نیست به تسبیح و سجاده و دل نیست و حافظ آسمانی چنین سرود: دلا دلالت خیرت کم به راه نجات ممکن به سق مباحات و زهد هم مغزیش مولانا پس از این تمثیل ها به خود هشداری دهد که: باز کرد و حال مطرب کوس دار زان که عا جز کشت مطرب، ز انتظار با ناک آمد مرعتر را: کای عمر ۱ سده ما را ز حاجت با ز غر بنده یی دارم خاص و محترم سوی گورستان توریجه کن قدم ای عمر ۱ برجه، ز بیت المال عام هفتصد دینار در کف نه تمام پیا او بر، کای تو ما را اختیارا این قدر استان، گدو ن معذور دار این قدر از پیر ابریم بها خرج کن، چون خرج سد، اینجا بیا " پس عمر زان عیب آواز حست تا میان راهبر این خدمت نیست شا هکا ر مولانا آفرین بخش این داستان است: عمرا ز هبیت با ننگ ها شفا از خواب چست و هفتصد دینا بر گرفت و روی به گورستان نهاد، سرا سر گورستان را گردید و جز پیری بدنا که عمری را به مطربی گذرا شیده و ایتک چنگ در زبیر سر به خواب رفته بود کسی را ندید، نخست با خود گفت: این حتما " آن کس نیست که مرا پیش او فرستاده اند، بار دیگر دقیق تر تما م گورستان را گشت و خسته شد، اما جز آن پیر کسی را در گورستان نیافت: حق فرمود: ما را بنده یی است، مانی و سایسته و فر خنده یی است، پیر چنگی کی بود غایب خدا؟ کجا ای سرتپهان ۱ کجا با را دیگر کرد گورستان بکشت همجو آن سیر سگاری گرد دشت خون یقین کشنس که غیر پیر نیست، کند: "در طلب دل روسن بیاست" آمد او، با صد ادب آنجا نشست بر عمر عطسه فتاد و پیر چست پیروان از خواب بر جست عمر را بالای سر خویش دیدند از بیم لرزان شد و در دل خویش گفت: خدا یا به تو بیبناه می برم، چه محتسب اکنون پیری چنگی را به چنگ آورده است، رضا رپیرا ز بیم و شرمساری زرددند.

# فرهنگ 'ولایت فقیه'



هنگامی که سید علی خامنه‌ای از "سبات" و استیلا "کم نظری که تریا حیوری او در منطقه بدو وجود آورده است، حرف می‌زند ما هنگامی که سخا اکثر رفسنجان می‌جده ماه را بلند نشانی با "سیطان بزرگ" را بد عنوان دلیل "استیصال" و "ورسکتی" آمریکا تلمذ می‌کند یا هنگامی که میرحسین موسوی - که دولت لایق و کارآمد است، آب و برف و نمان و گوشت و سبزی را جیره بندی می‌کنند و حتی خودکار رومند دوکا غذیحه‌های دبستانی را نمی‌توانند امین کنند، از "خودکفایی" رژیم سخن می‌گوید، حدمی تسکون در برابر نمان گفت؟ با کدام واژگان، با کدام بیان، می‌توان این همه دروغ و نیرنگ و وقاحت را تصویر کرد؟

شیخ اکبر رفسنجان می‌گوید که بهتر از هر کس این طرفه رژیم ولایت فقیه را می‌شناسد، تکلیف همه را روشن می‌کند، می‌گوید:

"... اشکال ما اینست که ما رانمی‌شناسند و این از عجایب است که بعد از هفت سال اینها مکتبیم عمل جمهوری اسلامی را نمی‌شناسند... نایدعلت آن است که اینها مکتبیم عمل فرهنگ مذهبی، آن هم از میان فرقه‌های اسلامی، بخصوص فرقه "شیعه" رانمی‌شناسند، آن‌ها از طرز تفکر شیعه و ولایت فقیه... بیگانه اند!"

شیخ رفسنجان می‌گوید که هیچکس تا هشت سال پیش این "نیرنگ" رژیم‌های خودکامه تاریخ رانمی‌شناخت سخن

آنمی وقتی می‌خواستند دربار رژیم ولایت فقیه و کارگران آن چیزی بنویسند یا بشنوند، با ناپیسی از هر چیزی در "سبات" عاظمی" واژه‌ها، تندیست نظر کنند زسرا دربار برآورد روز سب می‌گوندند آنچه که در انجام می‌دهند، به کارگیری واژه‌هایی چون: دروغ، ریا، فریب، نیرنگ، حیوان، غارت، جنایت و غیره، با بار عاطفی معمول سان، حتی مطالب را ادا نمی‌کنند؛ "ولایت من درآوردی فقیه" طریقه رژیم است که توضیح و تبیین آن با فرهنگ‌های شناخته شده، جوامع انسانی امکان پذیر نیست. این "عقربت تاریخی" رانمی‌توان همسنگ ده‌ها حکومت خودکامه و دروغزن دیگر قرار داد و با زبان و قلم قابل فهم برای همه، خودکار مکان ریاکار تاریخ به مصافش رفت، مثلا "هنگامی که رژیم، خود را نه "غربی و نه شرقی، می‌نامد و بعد از شکار روپنیا دست پلید خود را پیش "شیطان بزرگ" دنیا دراز می‌کند تا برای ماندن خود "مدقه" بگیرد، کدام واژه را، با کدام مفاهیم می‌توان در بارها شکار گرفت؟ هنگامی که رژیم، نهایت آرمان خود را "فتح قدس و تابودی اسراشیل" عنوان می‌کند، و بعد از شکار می‌شود که یا بیهوشی از بیهوشی منبسر قدرتش بردوش "اشغالگران قدس" است و برای ادا مه جنگ و کشتار، از آنان اسلحه می‌خرد، به کدام صفت موجود در فرهنگ‌ها می‌توان موصوفش ساخت؟

درستی گفته بود، ولی این که بعد از هشت سال هنوز این "عقربت تاریخی" را نشناخته‌اند، با زا دروغ‌هایی است که از همان "مکتبیم ولایت فقیه" برمی‌خیزد؛ همه، چنانچه، امروز این عقربت بر خاسته از کورجهل و ظلمات رانمی‌شناسند، تنها در مانده اند که پندار و گفتار و کردار اهریمنی او را چگونه با معیارهای فرهنگ امروز، توجیه و تبیین کنند، مردم دنیا به حیرت افتاده اند که چگونه ممکن است این همه دروغ و دغل و ظلم و ستم، شناخت، یکجا در رژیم جمع شده باشد.

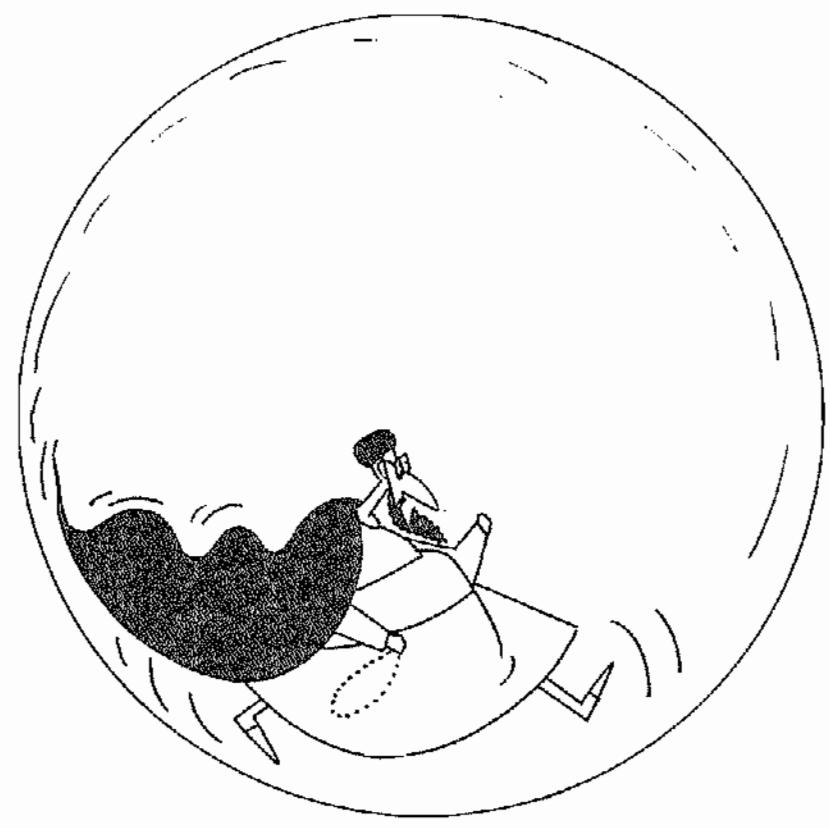
شیخ رفسنجان می‌گوید که این رژیم جمهوری اسلامی در کشورهای دیگر می‌گوید:

"... اگر این مکتبیم را، دنیای غرب هم کند و بفهمد که چه چیزی در اینجا هست، از خیلی از این تلاش‌هایی که می‌کنند دست برمی‌دارند... از کارهایی که شما می‌توانید انجام دهید اینست که تلاش کنید آن‌ها بفهمند اینجا چه خبر است... بخشی از آنچه که رفسنجان از سفیران خود

سیاسی نسل جوان سخن می‌گویند. روزنامه‌ها به گلایه می‌نشینند که جوانان دیگر در محنه نیستند و انقلاب را رها کرده‌اند؛ می‌نویسند: "حضور این نسل زنده‌ی پرشور در تمام زمین‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی است که ما می‌شادایی نظام جمهوری اسلامی است. به هر مقدار که این حضور کاستی یابد، به همان نسبت طراوت و شادایی نظام نیز کاهش می‌یابد."

اما خوشحال مردم ایران و بدحال سیاهکاران که اینک غیبت جوانان در این محنه خونین، طراوت و شادایی نظام موطن فروشان را از زمین برده است، این روزنامه‌ها برای این که زیا دهم دروغزن جلوه نکنند، پس از آنکه حمله آفرینشی طیف وسیعی از جوانان را به رخ می‌کشند، بلافاصله اضافه می‌کنند: "اما در کنار این واقعیت بسیار شیرین و شورآفرین، این واقعیت تلخ و دردآفرین نیز پنهان نیست که طیف گسترده‌ای از جوانان مادر برخی از کودکان و خناری فرهنگی و سیاسی برمی‌برند. جز آن ورتترین این کسه نهادهای فرهنگی و تبلیغی جاسوس و مسئولین ذی ربط این در در احساس نمی‌کنند و احساس نموده لکن آنرا امری طبیعی و قهری دانسته و چاره‌ای بر

## ما را بزرگ بدارید!



آنها که از آغاز خلافت جماران نه بدید پیرترجم کردند و نه به خرد و جوان و تیشه بدست، هر ریشه و ساقه جوانه را از زمین بردند، اینک در آخرین فصل بازی، غم ریشه می‌خورند و از خلافت فرهنگی و سیاسی نسل جوان سخن می‌گویند. آنها هرگز به صورت مسالهدکاری ندا رند و فقط به جواب می‌پردازند، و مثلا این که: "بی توجهی و بی‌تفاوتی سیاسی در دنا نشکاها دردناک ترا زهرجای دیگر است و با بدجا ره‌ی اندیشید و روح فعال دانشجویی را دوباره چون اول انقلاب زنده کرد!"

روزنامه‌های جمهوری اسلامی اینک اعتراض می‌کنند که: "امروز وضعیت فکری و سیاسی جوانان با سالهای اول انقلاب تفاوت چشمگیری پیدا کرده است، آن زمان جوانان در محنه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی حضور بسیار فعال تری در قیاس با حال داشتند، اما اکنون با تنزل شدیدی مواجه هستیم؛ آیا اینان برآستی پس از هشت سال وحشت و تکلیت و سرک همچنان منتظرند که جوانان ایران زمین برای مرگ فروشان، منت گره کنند و فریاد زنان زیر علم خونین شان سینه بزنند؟ نمی‌بینند که جز معدودی فریب خورده و فرصت طلب و مزدور، کسی در محنه نیست و تنها شاخه‌ها، نکبت و وحشت خمینی و شرکاء هر شب خالی خالی ست و حتی یک مشتوری ندا رد؟ مرگ فروشان اینک از خلافت فرهنگی

بقیه از صفحه ۲

مارا بزرگ بدارید!

آن نمی اندیشند و متاسفانه سفاهت در بند سطحی نگری و مجرد نگری گرفتار آمده اند!

این روزها ماها، در این دم آخر، شوخشانده از زرد پای آفت "قشری نگری" و "محدود نگری" سخن می گویند و این که می توان از زقشرو پست پا فراتر نهاد و به عمق و مغز پدیده های هستی راه یافت، به یاد آور اینان، در این دم آخر، نباید در عقل را تخته کرد، که با بیداری زقشری نگری دست برداشت و به ژرف نگری رسید! آنگاه بسا حسرت به روزهای پیروزی بلدای سیاه جماران برسیده دم! میدو آرزوی ملت ایران به راه ترزیستن می نگرند و می گویند: "آن ایام، جوانان در صحنه های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی حضور بسیار رفعا لتری در قیاس با حالاداشتند، کتابخانه ها شاهد حضور گسترده ای از آنها بود. آموزش های عقیدتی و سیاسی با استقبال پر شور و عطشناکی روبرو بود، در حدی که تغذیه همه آنها از عهده نیروهای آموزش دهنده خارج بود! در حیطه مدارس و مراکز آموزشی، حضور در بحث های سا زنده سیاسی و انقلابی و عقیدتی بسیار گسترده می نمود و کتب مذهبی و مکتبی در تیراژ وسیعی منتشر و در اندک زمانی کمیاب می گشت. اما درینا که امروز در همه این زمینه ها و مقوله های دیگر فرهنگی، بسا تنزل شدیدی مواجه هستیم، جای سؤال است که آن شور و حرارت و آفری که نسل جوان نسبت به مقوله های سیاسی و انقلابی نشان می داد و خود را فعالانه برای حل مشکلات انقلاب مطرح می کرد، کجا رفته است؟! روزنامه های جمهوری اسلامی این بار از قرا ربه صورت مسافله هم پرده خسته اند. می گویند: سیکاری وعدم وجود بیدار گسترده گار سبب گشته است که در جوانان روحیه بی نگران و متزلزل پدیدار گردد، نگرانی از تاء مین معاش سبب شده است که جوانان از ازدواج فرار کنند، عواما مل دیگران نیز بایددرد و مسئله جستجو کرد؛ فضای نامطلوب سیاسی و عملکرد نامناسب سا زمانها و نهدای فرهنگی و تبلیغی."!

و این همه، نهادت خمینی ستیزان نیست، اعتراف روزنامه های خودشان است، روزنامه ها، غیبت جوانان را در صحنه ای انقلاب ایران سوزچین برمی شمردند: "رواج تعلق و جابلوسی و باللطبع حاکمیت فرصت طلبان، دلایل برخورد های خشک و خشن، تندروها و کندروها و تنگ نظری و عوام زدگی در ایجاد این برخورد سیاسی و اجتماعی نقش عظیم دارند. نا همتا هنگی ها، ندانم کاری ها و عدم پیروی از یک خط مشی صحیح و اصولی تبلیغاتی، و وجه غالب این عملکرد است.

کارهای تبلیغاتی ما غالباً "از نصب پوستر، فروش کتاب و برگذاری مراسم فرا تر نمی رود!

اکثر آن چه را که راه می کنیم، یک سری نوحه خوانی و دعا خوانی است، بی آنکه متوجه باشیم این مراسم حال و هوای مناسب را می طلبد و این گونه

سمینار بررسی مسائل آینده ایران

بعد از رژیم خمینی

بقیه از صفحه ۲

اروپا بی در آن کردها بی دوروزه بسیار جالب بود که با مردانی از نزدیک آشنا شوند با آشنا بی بیشتری پیدا کنند که آهنگ آن دارن در رژیم خمینی را، بسا وسائلی که در اختیار دارند، برافکنند و یک رژیم دموکراتیک به جای آن بنشانند. چنین می نمود که برگذا رکنندگان این کردها بی، به ویژه "دیتر شمیست" گرداننده آن کردها بی و رئیس مواء سسه روابط خارجی آن بنیاد، خاطرهما و برداشتهای ما ندنی از این دیدار بدست آورده با شده که در شکل گیری سیاست آینده آلمان فدرال نسبت به ایران تاء شیر خوادا شد. با زتاب گسترده موضوعی این کردها بی در رسائنه های بین المللی آلمان و سوئیس نیز اهمیت مسئله را گوشزد می کند.

طبعاً "برای شرکت کنندگان اروپا بی در آن کردها بی جالب بودید اندسیاست خارجی ایران دموکراتیک آینده چگونه خواهد بود. وظیفه روشن کردن این مسئله بر عهده احمد میرفندرسکی وزیر خارجه پیشین و سفیر سابق ایران در مسکو نهاد شد.

میرفندرسکی در آن سخنرانی که به قول رئیس کردها بی "آمیزه ای از درس یک استاد دانشگاه و تجزیه و تحلیل یک کارشناس صاحب نظر" بود گفت که سنت و ساختار سیاسی - اقتصادی جامعه ایران بسا گونه ای است که همکاری نزدیک بسا دموکراسی های غربی را ناگزیر می سازد، ولی با اینهمه ایران نباید به هیچیک از بلوک های قدرت تعلق داشته باشد.

وی گفت که موقعیت "ژئو - استراتژیک" ایران، هم دارای جنبه ای منفی و هم نیست که بتواند بخواهد سخوی نیازهای فکری و روحی نسل جوان باشد. اگر ما سم نوحه خوانی و سیندزنی و دعا در جنبه های نبرد، شورآفرین و عشق آفرین است، نباید تصور شود که در پشت جنبه ها نیز همیشه همان نتایج را در بردارد!

خلاصه کلام آن که: "از ما ست که بر ما ست، نغمه دیدیم چه باید گفت، چه باید کرد، چه نباید گفت، چه نباید کرد، ندانستیم که از این اثری بزرگ، این مولود بیشترین نیرو، چه گونه باید بهره گرفت. نغمه دیدیم که نباید دوران کرد، باید ساخت." آن ها به زبان بی زبانی می گویند: "آی انسان ایران! ای خرد، ای جوان، ای پیروکلان از گناه ما درگذرید، اگر نتوانستیم کار ساز باشیم، اگر ویرانگر بودیم، اگر دروغن بودیم، با این همه، واگر چه همچنان دروغ می گوئیم، آن هم از نوع شاخدارش، اما ما را بپذیرید. همچنان برای ما سینه بزنید و فریاد سر کنید. همچنان ما را بزرگ بدارید!"

آنها چنین می گویند، اما دردمندان ایران زمین پاسخی دیگر دارند: نه! یک نه بزرگ!

دارای جنبه ای مثبت است، و در پیش گرفتن یک سیاست خارجی معقول و درست می تواند آثار مثبت این مسووعیت "ژئو - استراتژیک" را برجسته سازد و در عین حال تاء شیرهای منفی آن را کاهش بخشد. میرفندرسکی گفت اگر چه دستهای برای تجزیه ایران در کارند یا دهانهایی برای "بلعیدن شما می ایران" باز شده اند، ولی ایران نسه تجزیه خواهد شد و نه در کام دیگری فروخواهد رفت.

عباسقلی بختیار، وزیر پیشین و مدیر سابق صنایع ایران در دوره های مختلف، در سخنرانی خود وضع فکارا قتمدا ایران را در حال حاضر تشریح کرد و نشان داد چگونه ملاحه در اثر ادا مه جنگ و مدیسریست نادرست، چشم انداز اقتصادی آینه شده ایران را تیره ساخته اند. عباسقلی بختیار گفت که اکنون صنایع فقط با ۳۰ درصد ظرفیت کار می کنند، سرمایه گذاری و نوسازی وجود ندارد، ظرفیت پالایشگاههای کشور به تقریباً نصف کاهش یافته است و از اینرو مواد سوختی، برق و مواد خوراکی جیره بندی شده است.

مادق صدریه سخنران دیگر نهضت مقاومت ملی ایران بود. وی که در گذشته سفیر

ایران در عراق و آلمان قدرال بود، با اشاره ای به سوابق تاریخی مناسبات ایران و عراق، به مسافله جنگ پرداخت و افزود که تانس ها بی واقعی وجود دارند و بتوان با حکومت عراق براساس قرارداد الجزیره صلحی پایدار دست یافت. صدریه در این سخنرانی بیشتر به جنبه های حقوقی موضوع تکیه کرد.

نمی توان این گزارش را بی پایان برد و از سهمی کدفواء در روحانی و حسین ملک درمبا حندا دا کردند، بی اشاره ای گذشت. فواد روحانی، آنجا که بحث نفت و اوپک در میان بود، اشاره کرد که خط ارتباطی روشنی میان جنبش ملی کردن صنعت نفت به رهبری مصدق و تاء سیس سا زمان اوپک - که نخستین دبیرکل آن بود - وجود دارد.

حسین ملک به یک شما بنده مجلس فدرال آلمان (بونستاک) که سخنرانی کوتاهی کرده بود، هشدار داد که اروپائیان مبادا بپندارند که اگر جلو خمینی، این "هیولای مدش" مدام خوراک بریزند، او را آرام خواهد کند. زیرا این هیولا هر چه بیشتر بخورد، اشتها بی بیشتری پیدا خواهد کرد.

در نیمه روز پنجم دس امیر، کردها بی با صدور قطعنامه ای پایان یافت. در این قطعنامه به ضرورت سرنگونی رژیم پامان جنگ هفت ساله و تلاش برای استقرار یک رژیم پادشاهی مشروطه براساس دموکراسی و حاکمیت مردم تاء کید شده است.

نتیجه نظر خواهی

به گزارش خبرگزاری فرانسه اکثر آمریکا ثیا ن عقیده دارند که در یکان در باره تماس های ایالات متحده بسا جمهوری اسلامی حقیقت را بیان نکرده است. این نتیجه نظر خواهی یک روز پس از کنفرانس مطبوعاتی ریگان از

کانال تلویزیونی بی بی سی بخش شد.

بنا بر این نظر خواهی، ۵۷ درصد آمریکا ثیا ن ها با شیوه حکومت ریگان در مجموع موافق بوده اند. در ماه سبت امیر ۶۷ درصد آمریکا ثیا ن با شیوه حکومت ریگان موافق بودند. و از سال ۱۹۸۱ تا کنون این شدیدترین قوس نزولی آرای عمومی نیست به حکومت ریگان بوده است.

بقیه از صفحه ۵

ایتالیا، بهانه ی جدید

با بیدار زطر زرفتا رزننده خودا بسرا ز بشیمان کنند.

از سوی دیگر در این لحظه وزارت خارجه ایتالیا تصمیم نداد ز رژیم تهران دلجویی کند. زیرا معتقد است که جمهوری اسلامی نمایش این فیلم را به تاء قرا داده است تا از جمله نسبت به جنگال ماجرای مینا وطنی دختر ۲۹ ساله ای که در زندان های خمینی شکنجه های شدیدی را تحمل کرده است عکس العمل نشان دهد. بعلاوه سیاست بی طرفی ایتالیا در جنگ جمهوری اسلامی با عراق نیز ناراضی است.

فیگاروسین به نقل از ناظران آگاد می نویسد: بدخلقی رژیم اسلامی، نقابی بر نقشه نظر سیاسی رژیم تیسرا ن در مناسباتش با ایتالیا ست که پس از تحویل مقداری سلاح از سوی ایتالیا به جمهوری اسلامی و سپس مظالمی ۱۰۰۰ میلیارد لیر با بت سا ختمان تاء سیسات بندر عباس به وسیله یک شرکت ایتالیا بی، تیره

شده است.

فیگارودریا بیان می نویسد: تا بحال دولت ایتالیا با تحویق سررسیده های این قرارداد، حسن نیت و همکاری خود را نسبت به رژیم اسلامی نشان داده بود تسل آنکه روابط سیاسی - اقتصادی خوبی میان دور رژیم برقرار باشد. اما شرکت ایتالیا بی دیگر حاضر به تمویق بساز برداخت مطالبات خود از رژیم اسلامی نیست و میدو راست که تا قبل از تابستان آینده این مسئله حل شود.

فیگارو - ۳ دسامبر ۸۶

**تلفن خبری**  
**نهضت مقاومت ملی ایران - لندن**  
**شماره ۲۲۱۰۶۶۸**





# ره‌آلودگی از تکیه‌ها و ولایت

در جمهوری اسلامی، برنام‌های هیج‌شده و بی‌تأثیر در زمان‌ها، جالب‌ترین و سرگرم‌کننده‌تر از تعزیه‌ها می‌نمایند که در "تکیه‌دولت" روی صحنه می‌آید؛ تا آنجا که حتی "صدا و سیما" می‌چیزی، با همه "شعر" هسای مطرح و بهجت اثری که پیش می‌کند، در برابر آن لنگ می‌اندازد؛ قال و مقال‌های مصلحتی - که البته گاه از حد "مصلحت" درمی‌گذرد و غیظ و غضب حضرت امام را برمی‌انگیزاند - هیچ چیز از یک تئاتر "شراژدی کمیک" کم‌نارده سنت گذشته "تکیه‌دولتی" همچنان حفظ شده است. یعنی همه نما‌یندگان برکزیده امامت می‌شوند در باره همه چیز داد و قال کنند و پنجاه بر روی یکدیگر بکشند، به جز آنکه که به مقام منبع رهبری و رهنمودهای دایمانه حضرت ایشان مربوط می‌شود. البته گاه در "شهره" محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها، بر حسب حساب

"... تسکيلات دادگستری و تشریفات امور قضایی و بعضی از محاکم قضایی به حدی نامطلوب است که حقوق افراد مستضعف و متدین نیز با سال شده و افراد ذورکس و ظالم و فساد انقلاب با دسیسه‌های بازی و احیاناً "دادن رشوه" از طریق همین دادگستری به مردم آزاری متناول هستند." آخوند رهبری املشی که حضرت امام او را از رود سرگزیده است، همچنین بی‌توجه به مصالح عمومی "ولایت" ادامه می‌دهد که:

"... بعضی افراد که در مسند خطیر قضاوت هستند، نه تنها مجتهد عادل جامع الشرایط نیستند بلکه از نظر رعایت مقررات اسلامی "ظواهر المصالح" هم نیستند، را که مانند بیرونده‌ها، بی‌روکراسی بعضی از بیرونده‌ها (؟) و بلاتکلیفی بعضی از زندانیان که ماه‌هاست در زندان "بلاتکلیف" مانده‌اند، از جمله مشکلات

است. آیا براساس این نواسم بدست‌آخواب شدیم؟ ...

نما شده، برتر شده، خبر با ما برود، زیر آسایش، دست "موتل" خود را بکشود است؛ حضرت امام اعنای سوری فرنگ و وزیر فرهنگ و آموزش عالی را برمی‌کشند و با بشپنا نیز با نظر حضرتی، حزب‌اللهی‌ها را برای دانشگاه دست‌چین می‌کنند. پس دیگر جای گلدوا منتقدی بیانی نمی‌ماند.

آخوند رهبری املشی، خطبه: پیش از دستور خود را به پایان می‌برد می‌گوید: "... آیا اینست حکومت اسلامی و راه وقت و رحمت اسلامی که ما در قبال از انقلاب وعده آن را می‌دادیم؟ آیا حالا که به حکومت رسیده‌ایم با بدشمنی برادریم و انتقام بگیریم؟ ..."

آری! این است حکومت اسلامی به روایت و عملکرد حضرت امام، نه یک کلمه کم‌تر و نه یک کلمه بیشتر! آخوند محمد مهدی رهبری املشی هم اگر هنوز در "تکیه دولتی"، منبر خود را حفظ کرده‌باشد، باید دهان بند خود را محکم‌تر کند، زیرا شمیرده دم حضرت امام موقتی که از نیام در آید، خودی و بیگانا نه نمی‌شاند!

مزا می‌حضرت امام و زده‌بیند‌های سیاسی روز، به ضرب یک فتوای دوسه‌سظری بر اساس "آیه": "نه یک کلمه کم‌تر، نه یک کلمه بیشتر"، گسترش پیدا می‌کند و "معین البکاء" تکیه‌دولت، شیخ‌اکبر رفسنجانی دهان بند نمایندگان حضرت امام را سفت‌تر می‌کند.

با این همه، با وجود همه مراقبت‌های لازم، گاه نمایندگان امام، لجام‌ساره می‌کنند از حدود مرتضی‌بن شده فراتر می‌روند و می‌گویند آنچه را که نمی‌باید گفت، اینگونه لحظاتی - که در طول هشت سال گذشته کم‌نموده - تعزیه‌های تکیه‌دولت را حال و هوای دیگری می‌بخشد و بر جذا بیت‌های آن می‌افزاید، چرا که مستورده‌ای از دستاوردهای ارزشمند جمهوری اسلامی را - به "مردم‌نگون بخت همیشه در صحنه" نشان می‌دهد، راه دور نمی‌رویم. در همین یکما گذشته مستورده‌های درختانی از این دستاوردها در "تکیه" دولت به نمایش گذاشته شده است است که چشم آدمی را خیره می‌کند؛ مثلاً یکی از نمایندگان برگزیده حضرت امام، آخوند "محمد مهدی رهبری املشی" با آنکه در ابتدای خطبه، پیش از دستور خود برای دفع بلا "حرز جواد" بخود می‌آویزد و می‌گوید: "... در مورد مسائل داخلی گرچه بخاطر جنگ و مصالح عمومی کشور، نمی‌شود بطور گسترده و واضح سخن گفت ولی اجمالاً" در مورد مسائل قضایی ... مطالبی را به عرض می‌رسانم ... اما بلافاصله این "مصالح عمومی" را فراموش می‌کند و می‌افزاید:

## سئوالی که پس گرفته شد

بقیه از صفحه ۱

هشت نماینده سئوال خود را پس گرفتند، زیرا البته پس از تهدیدهای خمینی، دریا فتنه‌گه این سئوال "غیر ضروری بوده است. با اینهمه این سئوال سئوال ساده‌ای از دولت نبود، نمایندگان که این سئوال را از دولت کرده بودند، خوب می‌دانستند که دولت در این میان کاره‌ای نیست، آنان می‌خواستند با طرح این سئوال، بتدریج پای‌ها شمی رفسنجانی را به میان بکشند و حسابها را در برابر قدرت تسویه کنند. چرا که بی‌برده بودند رفسنجانی ریسبان ارتباط با آمریکا را در جاتی سوی وزارت خارجه یافته است، در صورت وجود اینکه هنگام طرح سئوال در مجلس، در رسانه‌های همگانی رژیم‌نام سئوال کنندگان نیامده بود، ولی پس از اینکه آنان سئوال خود را پس گرفتند، نشان در روزنامه‌ها درج شد. اینکه در میان آن هشتامه‌اء کننده نام سید محمد خامنه‌ای، برادر سید علی خامنه‌ای رئیس جمهوری اسلامی نیز به چشم می‌خورد، نشان می‌دهد که مبارزه قدرت در داخل رژیم میان رئیس جمهوری و رئیس مجلس نیز بشدت می‌باشد. پیش از گذشته جریان دارد، فاش شدن نام این هشت نماینده بدان سبب نبود که مطبوعات می‌خواستند مردم را در جریان اخباری که در رژیم می‌گذرد قرار داده‌باشد، اگر چنین بود، نامهایشان را همان وقتی درج می‌کردند که سئوالشان از وزیر خارجه مطرح شده بود. اینکه وقتی سئوالی حساب از دولت مطرح می‌شود، نام سئوال کننده را نگوییند، ولی هنگامی که سئوالش را پس گرفتند، نامش را بیابا روند، بیشتر جنبه تهدید دارد تا برای نمایندگان دیگر عبرتی باشد که در باره سئوال‌های حساب، پیش از مطرح شدن، بیشتر فکر کنند.

درست است که قانون اساسی جمهوری اسلامی بدانان حق داده است که در همه امور کشور جستجو کنند و دولت را مورد سئوال و حتی استیضاح قرار دهند، ولی نباید زیاده‌روی کرد و اقتیبت سیاسی در رژیم شهران را، قانون اساسی نمی‌سازد، بلکه هوس‌های خودگمانه "آیت‌الله می‌سازد و چون" امام اینک مصلحت آن دیده است که با "شیطان بزرگ" مصالح‌های با مصالح ملای کند، بر چند نما بنده مجلس نیست که مسائل را به بحث همگانی بگذارند.

با اینهمه، سبب از هفت سال شعارضا - آمریکا شای دادن، چرخش بد سوی آمریکا نمی‌تواند برای خمینی چنان آسان‌گذرد که دلخواه او است. در ماجرای کروگان گرفتار دیپلماتهای آمریکا همه دریا فتنه‌گه خمینی از آن به اصطلاح دانشجویانی که خود را در خط اومی دیدند، خیلی حساب می‌برد. مهدی بازرگان در کتاب خود زیر عنوان "انقلاب اسلامی در دو حرکت" این را تأکید کرده است. سید حسین خمینی، نوه روح‌الله خمینی نیز در گفتگوهای خصوصی با رها این را گفته است که اگر گروهی خود را به اندازة کافی نیرومند نشان دهد که بتواند بخشی درخور توجهی از مردم را به خود بسیج کند؛ "امام" در برابر آن تمکین خواهد کرد. با اینهمه نباید زیاده‌روی در جمهوری اسلامی، دیگر آن روزگار گذشته است که بتوانتظاهرات بزرگ خیابانی - راه انداختن و از آن راه خمینی را تحت تأثیر قرار داد، تظاهراتی اگر در ایران امروز به راه می‌افتد، همه از پیش ساخته و پرداخته است و به وسیله کارگزاران رسمی و نیمه رسمی رژیم برگذار می‌گردد، از جمله در نبود همین

حرکت‌های توده‌ای است که سازمان‌دهی چون مجاهدین انقلاب اسلامی سرانجامنا کزیر شبه تعطیل تن در دهد. بیانی‌ها و مواجبه‌های نمایندگان "دفتر تحکیم وحدت" انجمن‌های اسلامی دانشگاه که همان مرده‌ریک "دانشجویان خط امام" است، دیگر آن لحن بی‌خاشگرومبار زدجو را ندارد و اشکاس آن در میان جوانان تقریباً "برابر مفرات است. همان نمایندگان بیس از هر چیز نکات از این دارند که انقلاب از جوش افتاده است و بتدریج دارد سردی شود و بی می‌بندد.

امروز برای بردن جوانان به جبهه جنگ، ما موران کمینده و سابه معنای درست کلمه به شکار جوانان در خیابان‌ها، سینماها و اماکن عمومی دیگری بردارند. در چنین حالتی که شور همگانی انقلاب فروکش کرده است، خمینی ناگزیر گردیده برای ادامه زندگی سیاسی خویش به روش‌های دیگر منوسل شود، و چون نمی‌خواهد خود را چنان به‌یاد زی‌های تازه بیاید که راه بازگشتی برای وجود نداشته باشد، مصلح در این دیده است که به‌ها شمی رفسنجانی به اندازة کافی میدان دهد.

رفسنجانی جماعت خمینی را این قدر بدست آورده است که فعلاً "زحمله‌ای جناح مخالف تصور نمائند، ولی رئیس مجلس اسلامی به این اندازه حمایت خرسند نیست، بلکه می‌خواهد از نفوذ خمینی برای سرکوب مخالفان نیز استفاده کند. آیا خمینی ناگزیر خواهد شد بین حمایت تعیین کننده را نیز رفسنجانی بدهد؟ این پرسشی است که زهم‌اکشون نمی‌توان پاسخ قاطعی بدان داد. احتمال بیشتر این است که خمینی این حمایت را منگامی به رفسنجانی خواهد داد که مجبور شود، وگرنه بازی دلخواه او همین ما نور دادن میان جناح‌های رقیب است.



**رادیو محلی نهضت و دانشگتن**

رادیو ایران - رادیو محلی نهضت مقاومت ملی ایران تا خدی و اشکن - ویرجنا - مریلیند یکشنبه - از ساعت ۱۰ تا ۱۱ با مداروی موج متوسط ۱۴۵۰ - رادیو W.O.L.

# اسلحه، با پول عربستان

به گزارش خبرگزاری فرانسه از واشنگتن منابع سیاسی در آمریکا فاش کردند که عربستان سعودی نقش مهمی در فروش اسلحه آمریکا به جمهوری اسلامی و انتقال پول های حاصل از آن به حساب شورشیان نیکا را گویند با کرده است.

به گفته یک مقام پارلمانی آمریکا طی مقدماتی از پول اسلحه ای که جمهوری اسلامی تحویل گرفت از سوی عربستان سعودی پرداخت شد. به گفته وی، پولی که عربستان به منظور خرید اسلحه برای جمهوری اسلامی پرداخته است سر به سردها میلیون دلاری زند.

به گفته یک مقام دیگر کنگره آمریکا، عربستان سعودی بین ۶ تا ۷۰ میلیون دلار برای رژیم تهران پرداخته است. به گفته مقامات مطلع آمریکا طی حدود ۲۰ تا ۶۰ میلیون دلار بوده است که به حساب شورشیان فدا ندرین است.

نیکارا گوشه منتقل شد. این رقم دو برابر رسمی است که رسماً از سوی وزیر دفاع آمریکا در هفته گذشته اعلام گردید.

به گفته این منابع کهکهای عربستان سعودی به جمهوری اسلامی از سال ۱۳۶۰ آغاز شد. یعنی از زمانی که عربستان متعهد گردید به شورشیان نیکا را گوشه کمک کند. این کمک ها همچنین باعث شد که عربستان بتواند موافقت آمریکا را برای دریافت هواپیما و آواکس (رادار پرنده) جلب کند.

از سوی دیگر سفارت عربستان سعودی در واشنگتن اعلام کرد که عربستان از اجرای تحویل اسلحه آمریکا به جمهوری اسلامی بی خبر بوده است و وزارت خارجه

آمریکا نیز اظهار داشت که هیچ دلیلی در بربر شرکت عربستان سعودی در این ماجرا وجود ندارد.

عدنان قاشقی، میلیاردر سعودی نیز بدون آن که دخالت خود را در فروش اسلحه به جمهوری اسلامی تکذیب کند گفت: من هیچ گونه مقام رسمی در دولت عربستان سعودی ندارم. در این حال شبکه تلویزیونی ا.بی.سی آمریکا گزارش داد که دولت اسرائیل برای تحویل اسلحه آمریکا به جمهوری اسلامی سه شرط قائل شده بود.

نخست اینکه طرح تحویل اسلحه به موجب بالاترین مقامات آمریکا از جمله رئیس جمهوری آن کشور برسد. دوم این که جرج شولتز وزیر خارجه از آن آگاه باشد و سوم این که در صورت افشای طرح، وجود آن به یکباره انکار شود. پس از قبول این شرط ها بود که تحویل اسلحه از طریق اسرائیل به جمهوری اسلامی آغاز گردید.

## خبرگزاری فرانسه - ۴ دسامبر ۸۶

### با شرکت جمهوری اسلامی

روزنامه "میامی هرالد" جاسا آمریکا نوشت: دولت آمریکا، شواهدی در دست دارد که نشان می دهد رژیم جمهوری اسلامی در آنجا سفارت آمریکا در بیروت و مقبر تفنگداران دریایی آمریکا در لبنان، دست داده است.

به نوشته "میامی هرالد"، بنی از سازمان های اطلاعاتی آمریکا در سال ۱۹۸۳ بیام های رمزی را که به سفارت جمهوری اسلامی در لبنان مخابره می شد کشف کرد و پی برد که بیش از یک میلیون دلار به سفارت جمهوری اسلامی در بیروت فرستاده شده است.

## نشانی پستی شاخه های نهضت مقاومت ملی ایران در کشورهای مختلف دنیا

- آلمان فدرال**  
N.A.M.I.R.  
Postfach 121007  
8000 MÜNCHEN 12  
W. Germany
- اتریش**  
N.A.M.I.R.  
Postfach 523  
1171 WIEN  
AUSTRIA
- آمریکا**  
DR. H. STASI  
# 8 CINZANO COURT  
SALTHERSBURG, Mo.  
20878 (U.S.A.)
- انگلستان**  
N.A.M.I.R.  
PO BOX 333  
LONDON W 2-4 QX  
ENGLAND
- سوئد**  
PO BOX 130  
H600 TULLINGE  
SWEDEN
- هند**  
TUS - MOSS  
117/118 MAKER CHAMBER (V)  
NARIMAN POINT  
BOMBAY 400021  
INDIA
- دانمارک**  
NEHZAT  
P.B. 246  
3230 AE BRIELLE  
DINLAGE
- اسپانیا**  
A. CH  
APARTADO CORREOS 30412  
MADRID SPAIN
- کانادا**  
NAMIR  
PU-1002  
STN. B. WILLODALE ONT  
M2K, 3T6 CANADA
- ایتالیا**  
A. R. CÀSELLA  
POSTALE 601  
00187 ROMA  
ITALIA
- سوئیس**  
P.o. Box 3049  
8049 Zurich

## درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۲۵۰۰ فرانک فرانسه -  
شش ماهه ۱۲۰۰ فرانک فرانسه -  
دانشجویان نصف قیمت

اینجانب (نام و نام خانوادگی) فارسی و به حرف لاتین  
**نام خانوادگی:**  
Nom .....

**نام:**  
Prénom .....

**آدرس:**  
Adresse: .....

شماره حساب پستی: QYAM, IRAN  
C.C.P No: 2400118/E  
PARIS

شماره حساب بانکی: QYAM IRAN  
Crédit du Nord  
78, Rue de la Tour  
75116 Paris  
Compte No: 11624700200

ما به نام نشریه تمام ایران را به مدت یک سال به شما ارسال خواهیم کرد. شماره پستی نشریه شما را بنویسید تا بتوانیم به شما ارسال کنیم. نام و نام خانوادگی و آدرس خود را بنویسید تا بتوانیم به شما ارسال کنیم.

توجه لازم: شما دارید تقاضای اشتراک را به آدرس تمام ایران ارسال فرمائید. نامه ها که به آدرس حساب پستی یا بانکی نرسیده شود، بدست ما نمی رسد.

## توجه لازم

شما دارید تقاضای اشتراک را به آدرس تمام ایران ارسال فرمائید. نامه ها که به آدرس حساب پستی یا بانکی نرسیده شود، بدست ما نمی رسد.

چون عمر برای پیرگی جنگی از سوی حق می آورد، آن مهربانی ها و دستگیری ها ورا همنامی ها که مردی جنگ نواز در پایان راه زندگی از خاتمان حق می سازد، در حقیقت همه اش تربیت و زاده نفس گرم مولانا است و از زمین تا آسمان با روش های خشک و بی گذشت مشرکان و ارباب تعصب فاصله دارد. در واقع این مولانا است که از زبان فاروق سخن می گوید:

چون که فاروق آینه اسرار شد  
جان پیر از اندرون بیدار شد  
همچو جان، بی گریه و بی خنده شد  
جان رفت و جان دیگر زنده شد  
حیرتی آمد درون آن زمان  
که برون بد از زمین و آسمان

\*\*\* یادم یا پاردم: رایگی، تسمه ای که در عقب زمین اسب یا پالان الاغ می دوزند و زیر دم حیوان می افتد.  
\*\*\* رفیق: کرده، نان، رهین، گروگان، و متمموم  
مصراع آن است که پیر را شرکس دنیا زار کیش برای یک گرده نان منطل مانده بود.

\*\*\* ابریشم بها: بهای ابریشم. در قدیم رشته های ابریشم را به جای "سیم" در سازه های زهی به کار می بردند و ابریشم بها، در اصطلاح به معنی دستمزد مطرب و نوازنده است.  
مونا در یکی از غزل های خود می گوید:  
مطربا عشق بازی از سر کیسر  
یک دوا بریمک فروتر گیر  
یعنی آهنگ را یک دوا برده با بین شربنوا ز.

\*\*\* قراضه: پول خرد. در این جا به قصد تعارف و برای کم نشان دادن ارزش زر گفته شده است.

## داستان پیر چنگی

پس عمر گفتش: "مترس، از من بگرم  
کوت بشارت ها زحمتی آورده ام  
جد بیزدان مدحتی تو کرد  
تعمیر اعیان روی تو کرد  
بسی من بنسین و مهوری مساز  
تایه گوشت گویم از انفال راز  
حق سلامت می کند، می پرسد:  
جونی از رنج و غمان بی حادت؟  
نک قراضه، چند، ابریشم بها  
خرج کن این را و با زینجا بیا  
پیر لرزان گشت خون آن اسب  
دست می غایب و بر خود می طپد  
بانگ می زد کای خدای بی نظیر  
پس که از شرم آب ندید عیار پیر"

داستان پیر چنگی در این جا به پایان نمی رسد. بنا به روایت مولانا پیر مرده، از این لطف الهی شرمسار می شود و چنگ را بر زمین می زند و خرد می کند و آن را جیب و هزن و مانع وصول به درگاه حق می خواند. از آن پس عمر نیز او را ارشاد می کند، او مقام گریه که هستی است - به مقام استغراق که فنا می محض و نیستی و وصول به حق و پیوستن به ذات رب است و توجه می دهد. اما این همه سخنان مولانا است که در دهان خلیفه دوم گذاشته می شود. آن سخنان در نواز، آن بشارت ها که مردی

## باز هم

### افسانه ای

### چراغ سبز

ارض پریده است و سوی دیگر میا دانست که هفت سال در انتظار چنین لحظه ای بیداری کشیده، توراها را گسترده اند.

شکارچی آن از آتش نقرتی که در قلب مردم خانه کرده است، بیخبر نیستند. سئوال این است که پس چرا چشمها را می بندند و از کنای آن می گذرند؟

جواب روشن است. این نقرت در زیر خاکستر مخت و سنگین اختناق بنهان مانده است و چندانکه باید خودی نشان نمی دهد. و این فریاد تجربه ها است که تنها آنگاه که خاکستر از این آتش واپس رود و سرخی ها گل کند "محبت ها" نیز گل خواهد کرد و گرنه:

شوتا قیامت آید زاری کن  
کی رفته ربه زاری با زاری؟

بقیه از صفحه ۱

شیخی بعد از هفت ماه که آن خالی بود آب می زدومی خورد مختصر بولی بدستش رسید. بول را به بیای قطعه کوشتی دا دوبالیه و با قلا با رگذاشت و خوراکی حاصل کرد تا موقع شام بخورد. او اسل شب، شیخ به قضا حاجت از حجره بیرون رفت. درین اساء بگی وارد حجره شد و سرس را در ظرف غذا فرو برد و مشغول خوردن شد. به محض آنکه شیخ با زگست و سرو کله اس در آستانه درظا هرندک با قیما شده غذا را نذاشت و از سترجه بیرون جست. شیخ نگاه کرد دید هنوز به اندازیهی که شکمش را سیر کند غذا در ظرف مانده است. نشوونست از آن دلیر گیرد و بخود بقبولاند که خون طعم میدهان سک آلوده و لاجرم نجس شده است خوردنش جایز نیست. با خود گفت من روز روشن هم چشم درست نمی بیند و درین تاریکی سب بطریق اولی نمی توانم سک را از کربسه بازشناسم. ان شاء الله کوبیده!

این حکایت بطریق دیگری هم روایت شده که اتفاقاً "مناسبتی با آلودگی داستان حضرت امام به ترسحات و کتدهما مله با اسرا شیل و امریکا بیشتر است. میگویند شیخی جهت اقامه نماز صبح به مسجد می رفت. ناگهان سکی که به زیرینلی خزیده بود بیرون جست و خود را تکان داد و آب زتن او بر دامن قبا ی شیخ توش کرد. شیخ دید وقت حال اینکده بخانه برگردد و استحاحه مکنندولیا س دیگری بشویند ارد. دامانش را بر جید و گفت "انشاء الله کربسه است" و بطرف مسجد راه افتاد.

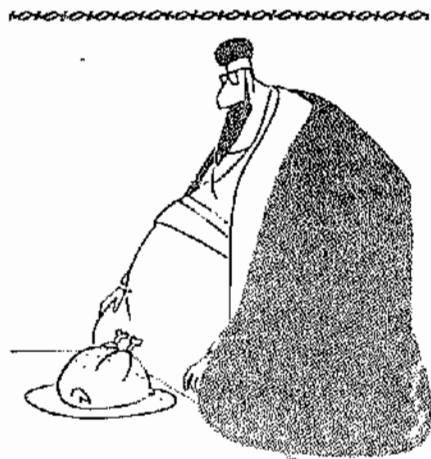
مرحوم دهقان این روایت را بد نظم کشیده است. ابتدا شرحی در توصیف شیخ میفرماید که:

گردن و سینه در شکم، مدغم پای تاسر جوخ تمام شکم هیچ نه، جزمه مدونگی کلمی شکم بفرار خمی قورس لوبیش به پشت، جویوز معنی صدق قوز بالا قوز! بر زبان ذکر و خاتمن بهیمین سبده در دست و پینه با رحین ریش انبوه برز اشین و کک

انشاء الله

گوبه

انشاء الله



بر او او بناده حد حک ما خنان بر زحربی سی مو نس که طبل لحد، شاد و جو سهرن سوخس، صا ساک آخر ها کسه ده و مع خاک ز آسین شاد و با حدی سار عمل و کنه یان حرم کراز... بعد شرح ما حرامی سردا زد و میگوید: در خلائی کنار جاده درون از قضا بدکی فتاده درون لاسه سک، سن نلاس بردگار لانه آورد عاقبت یکنار همو قبلی بر کسیده زنبیل سروتن خیس خورده و ترو تویل دست و پایی زد و بخیسکی راند عغمفی کرد و آب تن بفساند قسمی از زهر بلند و بیخی بست شیخ زی غیب و سک به بالادست رشحات جدا ز جسم بلید هنت عشرش بسوی شیخ جهید و زلبیدی سگ گرفت آخار شیخ را ریس و حبه و دستار خرمریدان به انتظار نماز کار تفسیل شیخ، دورودراز حرص میل و قبولی عامه با توش روی نفس لوامه لحظه بی چند جنگسان پیوست شیخ با حرص از درون همدت گفت: سگ اندر آب؟ این غلط است! گرنه ما هی است، لامحالط است فلس و برینستن، عجب اینست

بدکی دارد، آد؟ دلشپ است که به حروید برکه های عمیق سگار آورد زمر، عریق خوانده بودم شرح سیرت آن در "سیری" و نیز "الحوان" در "عنا" هم به نام حاوران بوعلی را انشائی است بدانند هفتاد و یکین خویس سک کفت سخ این وست کرده سک وز عبا، مرده ریگ، سخ مدر مرده آما کفن کسید بر فرصت ک در کانه خواندن سوز مانده بود از طلوع کوبک روز شیخ محراب با قدم آراست وز همه سن بانک و فوغا خاست قدس و پاتی شیخ را ملوات لال، هر کنگوبه این کلمات! با تمام این اوصاف، تطهیر حضرت امام و ملوات فرستادن بر قداست و پاکسوی و آتقدرها هم که دوستان انگلیسی تصور کرده، ایمان نیست. امام این بار تا خرخره کزین فرورفته است و با آب زمزم و کوثر هم نمی توان او را غسل داد و تطهیر کرد. همین تعبیر را مشاوران تبلیغاتی کساح سفید در امریکا برای تطهیر رونا لدریگان کردند و علی رغم اینکه رئیس جمهوری روز اول مسئولیت همه چیز را پذیرفته بود به گردن او گذاشتند که بگوید زهره و قاسیح خبرنداشته است. این عذر بنرا زگناه کمکی به ریگان

نکرد سهل است که آنها می گفای پستی را هم برای او به ارمان آورد. مدعیان گفتند رئیس جمهوری اگر واقعاً از آنچه در اتاق های طبقه زیرین کاخ سفید می گذرد خبرنداشته باشد اوای به احوال آمریکا.

با زدن امریکا اگر هم جوعدری را برای رها شدن رئیس جمهوری از سواستی معاللات مدجا ندریگان - سوز - خمینی عنوان کردند دستکم خرد سسادی از عتاوران عالی رتبه کاخ سفید خراسته سدور رئیس جمهوری به وزیر دادستری و سس بدیک قاضی مستقل اختیار نام داد که راجع به جزئیات امر، از شما کسی دست اندر کاران، منجمله خود و تحقیق کند و گزارش آن را در اختیار کنگره و ملت امریکا بگذارد.

در جمهوری اسلامی، حتی تصورش را هم نمی شود کرد که چنین ارتشاطاتی دور از چشم آیت الله خمینی بدون اطلاع وی برقرار شده باشد. در ایران البته کسانی بودند و زیاده دهم بودند که با تبلیغات آنجنانی به بالای با مرفتند و عکس آیت الله را در تروس ما هروه بیت کردند ولی رساندن امام به ماه مطلبی است، بیرون کشیدن امام از جاه مطلبی دیگر، مردم ایران فریب خوردند، با زیچسه سیاست های استعماری شدند، روز را شب و شب را روز بنده شدند و با پای خودشان، چشم بسته به بیراه رفتند. اینها همه قبول ولی حمق محض و محض محق است اگر کسی تصور کند ملتی را برای همیشه میتوان با دروغ و دغل سرگرم کرد و به هر سازی رقمانید.

ملت ایران انتظار ندارد زعمای جمهوری اسلامی درباره آنچه رخ داده و جزئیاتش از برده بیرون افتاده است دو کلمه حرف راست بزنند، فقط این سؤال برایش مطرح است که اگر حضرت امام ریگی بسه کفش خود ندارد چرا دستور داد دوکلای مجلس اسلامی سؤال خود را مسترد بدارند و خفقان بگیرند. آخر امام از چه می ترسد!

پیداخت باج

"چارلز ردمن" سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا تا به کید کرد که سیاست دولت آمریکا در مقابل ترکان کنری آن است که از امتیاز دادن و پرداخت باج به گروگان گیریها خودداری کنند. "ردمن" این سخنان را در ماسخ بسه ادعاهای "راس سروت" ملیبار در آمریکا اظهار داشت. "راس سروت" ادعا کرده بود که سرشنک "آلبورنورت" روی نوشته بود برای آزادی گروگانهای آمریکائی شریکند... ۲۰ میلیون دلار به گروگان کبریای لبنان بپردازد. سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا گفت که وزارت منبوع وی بکلی از خمینی منبوعی می خیر است. رئیس جمهوری امریکا نیز قبلاً اعلام کرده بود اگر سرهنک نورتن چنین اقدامی کرده باشد، آن را بدون اجازت کاخ سفید انجام داده

است. خبرگزاری فرانسه ۲ دسامبر ۸۶

سوزنش

به گزارش خبرگزاری فرانسه، کاخ سفید و استکتن گاسپا رواین برگروزی بردفاع امریکا را مورد سوزنش قرار داد. زیرا او این برگر برخلاف نظرسمی دولت آمریکا در ساری گفته بود که در جمهوری اسلامی حجاج میانه رو وجود ندارد. به گفته ی او این برگر ریگان استباه کرده که گفته است در جمهوری اسلامی بک حجاج میانه رو وجود ندارد. بی توان با آن وارد مذاکره کند. به عقیده ی او این برگر در جمهوری اسلامی فقط تعدادی دیوانه ی فلس و برینستن، عجب اینست

واستگرا وجود دارند. لاری اسپیکر سنکوی کاخ سفید گفت ما نیز مثل رئیس جمهوری معتقد به وجود یک جناح میانه رو در جمهوری اسلامی هستیم و در نتیجه در این مورد با این سرگر هم عقیده نداریم. به گفته ی متبع مرتق دروا شنکتسن کاسا رواین برگروزی بردفاع امریکا همانند جورج شولتز وزیر امور خارجه با ارسال اسلحه به ایران مخالفت کرده است. خبرگزاری فرانسه - ۵ دسامبر ۸۶

آمریکای راست می گویند! ما می رفسیائی اعتراف کرد که جمهوری اسلامی آمریکا اسلحه در بافت کس کرده



نشانی: QYAM IRAN C. O. C. B. 17, bd RASPAIL, 75007 PARIS FRANCE